

دانلود نمونه سوال فقه غیر استدلالی

برای دانلود نمونه سوالات و جزوات حوزه های
علمیه به ادرس زیر مراجعه کنید.

<http://bankejozavatehoze.kowsarblog.ir>

۸- حکم خونیه که زن نمی‌داند خون حیض است یا مُل چیست؟ وظیفه او را کاملاً بیان کنید. ص ۷۵ و ۷

جواب: بعد نیست که واری واجب باشد. یعنی مقداری بنه داخل کند و برون آورد پس اگر خون از طرف چپ بیرون آید، خون حیض است و اگر از طرف راست بیرون آید خون مُل است. لکن سزاوار نیست ترک احتیاط، ولو با علم به حالت سابقه. و اگر ممکن نباشد که واری کند در صورتیکه می‌داند که خون سابق حیض بوده است. حیض قرار نهد و اگر دمل بوده خون مُل فراردهد. و اگر نمی‌داند خون حیض بوده یا مُل باید همه چیزهایی را که بر حیض حرام است ترک کند و همه عبادتهای را که زن غیر حیض انجام می‌دهد بجا آورد.

۹- چهار مورد از مواردی که بر زن حیض حرام است را نام ببرید. ص ۸۵

جواب: ۱. نماز و روزه و طواف و اعتکاف. ۲. تمام چیزهایی که بر جنب حرام است مثل دخول در مسجد الحرام و مسجد النبی (ص) و توقف در مسجد دیگر. ۳. جماع در قیل که هم برای مرد حرام است و هم برای زن. ۴. هر آنچه که بر مطلق حدت حرام است مثل مس قرآن.

۱۰- حکم کسی که قبل از امام به رکوع یا سجود برود. نمی‌تواند متابعت کند (برگردد به قیام) زیرا لازم می‌آید که عمدتاً چیزی بر نماز بیفزاید. اما اگر سهواً به رکوع برود، واجب است متابعت کند به اینکه برگردد به قیام یا بنشیند. سپس به رکوع یا سجود برود همراه امام.

۱۱- اگر «نفساء» در تمام روز خون بیند و از ده روز نیز بگذرد، وظیفه‌اش چیست؟ (صور مسأله را توضیح دهید) ص ۸

جواب: اگر در حیض. صاحب عادت عدویه است. به اندازه روزهای عادت او نفاس می‌باشد چه ۱۰ روز یا کمتر باشد و بعد از آن باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

و اگر عادت ندارد، تا ۱۰ روز نفاس می‌باشد و بقیه‌اش باید به وظایف مستحاضه عمل کند. اگر چه احتیاطاً مستحب است که ترک سزاوار نیست. ایستگه تا روز هجدهم زامان. کارهای مستحاضه را به جای آن روز کارهای غیر آنست. بر نفساء هم احتیاطاً ترک نماز است.

۱۲- کس شرط از شرایط امام جماعت را نام ببرید. ص ۱۶۵

جواب: ۱. بالغ. ۲. عاقل. ۳. شیعه دوازده امامی. ۴. عادل. ۵. حلال‌زاده. ۶. مرد باشد (در صورتیکه همه یا بعضی از مأمومین، مرد هستند). ۷. در هر مکر در کتاب.

۱۳- نصاب معدن در وجوب خمس چیست؟ حکم نصاب در معدنی که چند نفر مالک آن هستند را بنویسید. ص ۲۰۲

جواب: نصاب رسیدن به ۲۰۰ دینار یا ۲۰۰ درهم بعد از کم کردن مؤنه انقراض می‌باشد.

قوی آن است که سهم هر فرد به نصاب برسد تا خمس به آن تعلق گیرد (ولی اصولاً اعتبار نصاب در مجموع است).

۱۴- در چه فرضی به مال حلال مخلوط با حرام، خمس تعلق می‌گیرد؟ ص ۲۱۸

جواب: ۱. در صورتی که مقدار مال معلوم نباشد و ۲. صاحب آن هم معلوم نباشد. ۳. چیزی به نحو سینه بجهت خود.

غير المتكالي (مكرر) ٥-٩-٩٤ بونك

١) كونية صحيح درابطه با مكلف والانتخاب كنهية

- الف) يجب على كل مكلف في عباداته ومعاملاته ان يكون عالماً او معتاداً
- ب) يجب على كل مكلف في كل افعاله ان يكون معتبراً او معتاداً او معتاداً
- ج) يجب على كل مكلف في عباداته ومعاملاته ان يكون معتبراً او معتاداً او معتاداً ✓
- د) يجب على كل مكلف في افعال العبادات فقط ان يكون عالماً او معتاداً ✓

٢) كثرية نادرست والانتخاب كنهية

- الف) تعرف العزلة بتجسس الظاهر الكاسف عننا علماء اولئنا
- ب) التقليد هو العمل مستنداً الى فتوى المجتهد ولا يكون مجرد الاقتداء ✓
- ج) يشترط في المجتهد ان يكون لعلمه خلا يجوز على الاحتوط تقليد العاصم ✓
- د) لا يجوز تقليد الميت لشداء

٣) كثرية صحيح راسخون كنهية

- الف) لا يجب اختفات في القراءة خلف الامام
- ب) ليس لاقبل المتكاس حجة ولا لاكثره
- ج) عمل العاقل المتقصر العلتفت ان كان مطابقاً للواقع صحيح
- د) يجوز الاقراء في كل من الصلوات اليومية بعين بصلي الآخر ✓

٤) وكثرية الرتافه ي متوكه ذكره كثرية بيان زده است ✓

- الف) تتلوت القطنه بالدم من دون ان يثقبط
- ب) يسيل الدم من القطنه الى الخرقه التي فوقها
- ج) تتلوت القطنه بالدم ويسيل منها الى الخرقه التي فوقها
- د) يثقب الدم القطنه ونظر من العباب الاخر ولا يسيل منها الى الخرقه التي فوقها ✓

۸- اقل و اکثر نفاس چقدر است؟ فاصله میان نفاس با حیض متقدم و حیض متأخر چقدر باید باشد؟ ص ۹۷ و ۹۸ - ۲ نمره
جواب: اقل نفاس حد و اندازه ندارد، ممکن است یک لحظه باشد و اکثر آن ده روز است. میان حیض متقدم و نفاس لازم نیست فاصله‌ای باشد اما میان حیض متأخر و نفاس باید حداقل ده روز فاصله باشد.

۹- حکم نماز جماعت را در موارد زیر مشخص کنید. ص ۱۶۵ و ۱۶۶ - ۲ نمره
الف) امامة القاعد للقائم: جواب: باطل است.

ب) امامة المتیمم للمتوضئ: جواب: صحیح است.

ج) امامة المستحاضة للطاهرة: جواب: صحیح است.

د) امامة المسلوس لغيره: جواب: صحیح است.

۱۰- عبارت «الاقوی جواز العمل بالاحتیاط، مجتهداً کان او لا، لکن یجب ان یکون عارفاً بکیفیه الاحتیاط بالاجتهاد او بالتقلید» را به طور کامل توضیح دهید. ص ۲۵ - ۲ نمره

جواب: اقوی این است (اقوی، فتوی است) که عمل کردن بر اساس احتیاط جایز است، چه برای مجتهد و چه برای غیر مجتهد، لکن در صورتی که بخواهد طبق احتیاط عمل کند واجب است که با نحوه احتیاط کردن آشنا باشد که این آشنایی به یکی از دو طریق حاصل می شود: از طریق اجتهاد یا از طریق تقلید.

۱۱- حکم مذکور در عبارت «لومات فی اثناء حول الريح سقط اعتبار اخراج مؤونة بقية السنة علی فرض حیاته و یخرج خمس ما فضل عن مؤونته الی زمان الموت» را به طور کامل توضیح دهید. ص ۲۰۸ - ۲ نمره

جواب: برای هر شخص واجب است خمس از مازاد اموال خود را بعد از کسر مؤونه و خرج زندگی یک سال خمس خود بپردازد. حال اگر کسی در اثناء و وسط سال خمس خود فوت کند اخراج مؤونه بقیه سال ساقط بوده و باید مؤونه زندگی تا زمان موت او از مازاد اموال کسر شده و خمس اموال را بپردازند.

۱۲- شرائط وجوب امر به معروف و نهی از منکر را نام ببرید. (۴ مورد) ص ۲۲۴ تا ۲۲۳ - ۲ نمره
جواب: ۱. علم امر یا ناهی به معروفیت فعلی که ترک شده یا متکرت فعلی که انجام شده است.
۲. احتمال تأثیر در کسی که مورد نهی یا امر واقع شده را بدهد.
۳. اصرار عاصی بر استمرار فعل منکر یا ترک معروف.
۴. عدم ترتب مفسده بر امر یا نهی.

۱۳- عبارت «و لاینفی ترک الاحتیاط بإخراج خمس کل فائده و إن لم یدخل فی مسمى التکسب» را با ذکر مثال توضیح دهید و نوع احتیاط را مشخص کنید.

جواب: خمس هر گونه بهره و فائده‌ای که به انسان می رسد و از مؤونه (مخارج) سال زیاد می آید پرداخت شود هر چند که عنوان تکسب بر آن فائده صدق نکند مانند هدیه (بخشش)، هدیه، جایزه، میراثی که گمانش را نداشته، صدقه مندوبه (مستحبی)، مطلق میراث، مهر، عوض خلع، (دو مثال کفایت می کند) (۱/۵ نمره)
احتیاط مستحب است. (۱/۵ نمره)

امتحانات غیر حضوری (سطح ۲)

ایصال نوم ۲۲-۹۱
پاره نوم ۵ مائده

نوم	تاریخ	موضوع	محل

کتابخانه	تاریخ و روز

نام و نام خانوادگی: کلاس:
 شماره درسی: شماره تلفن:
 شماره فعالیت کلاسی:

- ۱- کدام گزیننه صحیح است؟ درس ۲ ص ۱۹
- الف. اذا كان احد المجتهدين ارجح من الاخر في المدالة او نحو ذلك فيجب اختياره.
- ب. لا يكفي في تحقق التقليد اخذ الرسالة و الالتزام بالعمل بما فيها بل يلزم اخذ العمل بالفتوى.
- ج. اذا كان المجتهدان متساويان في العلم يجوز للمكلف التبعيض في التقليد و لا يجب التقليد من احدهما.
- د. عمل الجاهل المقصر الملتفت ان كان مطابقا للواقع صحيح.
- ۲- کدام گزیننه صحیح است؟ درس ۱۱ ص ۵۶ مساله ۷
- الف. اذا علم بوجود مانع و علم زمان حدوثه و شك في ان الوضوء كان قبل حدوثه او بعده يبني على الصحة لقاعدة الاستصحاب.
- ب. اذا علم بوجود مانع و علم زمان حدوثه و شك في ان الوضوء كان قبل حدوثه او بعده يبني على عدم الصحة لقاعدة.
- ج. اذا شك في الوضوء بجهة خروج رطوبة مشتبه بالبول و لم يكن مستبرأ بنى على الصحة لأصالة عدم كون المشتبه بولاً.
- د. اذا شك بعد الصلاة في الوضوء لها و عدمه بنى على صحتها لكنه محكوم ببقاء حدثه.
- ۳- کدام گزیننه دربارہ احکام حیض صحیح است؟ درس ۲۰ ص ۸۹
- الف. لو طهرت في آخر النهار و ادركت من الوقت مقدار اربع ركعات في الحضر صلت الظهر.
- ب. لو اعتقدت سعة الوقت للصلاة فأتت بهما لم تبين عدمها بطلا و يجب عليها القضاء.
- ج. لو نلت ضيق الوقت عن أداء ركعة مع تحصيل الشرائط فتركت فإن السنة واجب القضاء.
- د. ان بقي من من آخر الليل أقل من مقدار خمس ركعات في الحضر يجب عليها خصوص المغرب.
- ۴- کدام گزیننه دربارہ نماز جماعت صحیح است؟ درس ۳۳ ص ۱۲۵
- الف. هي من المستحبات الاكيدة في جميع الفرائض و التوائف.
- ب. يجوز الاقتداء في كل من الصلوات اليومية بمن صلى الاخرى.
- ج. لا تجب الجماعة في الجمعة و لا تشترط في صحتها.
- د. اذا رأى الامام يصلى و لم يعلم أنها من اليومية يصح الاقتداء به.
- ۵- صحت و بطلان هر يك از موارد ذیل را با كلمه «صحیح» و «غلط» مشخص نماید. (توضیح لازم نیست)
- به ترتیب در: درس ۳ ص ۲۴، درس ۲ ص ۲۱، درس ۴ ص ۲۷، درس ۵ ص ۲۲، درس ۶ ص ۲۳، درس ۷ ص ۲۴، درس ۸ ص ۲۵، درس ۹ ص ۲۶، درس ۱۰ ص ۲۷، درس ۱۱ ص ۲۸، درس ۱۲ ص ۲۹، درس ۱۳ ص ۳۰، درس ۱۴ ص ۳۱، درس ۱۵ ص ۳۲، درس ۱۶ ص ۳۳، درس ۱۷ ص ۳۴، درس ۱۸ ص ۳۵، درس ۱۹ ص ۳۶، درس ۲۰ ص ۳۷، درس ۲۱ ص ۳۸، درس ۲۲ ص ۳۹، درس ۲۳ ص ۴۰، درس ۲۴ ص ۴۱، درس ۲۵ ص ۴۲، درس ۲۶ ص ۴۳، درس ۲۷ ص ۴۴، درس ۲۸ ص ۴۵، درس ۲۹ ص ۴۶، درس ۳۰ ص ۴۷، درس ۳۱ ص ۴۸، درس ۳۲ ص ۴۹، درس ۳۳ ص ۵۰، درس ۳۴ ص ۵۱، درس ۳۵ ص ۵۲، درس ۳۶ ص ۵۳، درس ۳۷ ص ۵۴، درس ۳۸ ص ۵۵، درس ۳۹ ص ۵۶، درس ۴۰ ص ۵۷، درس ۴۱ ص ۵۸، درس ۴۲ ص ۵۹، درس ۴۳ ص ۶۰، درس ۴۴ ص ۶۱، درس ۴۵ ص ۶۲، درس ۴۶ ص ۶۳، درس ۴۷ ص ۶۴، درس ۴۸ ص ۶۵، درس ۴۹ ص ۶۶، درس ۵۰ ص ۶۷، درس ۵۱ ص ۶۸، درس ۵۲ ص ۶۹، درس ۵۳ ص ۷۰، درس ۵۴ ص ۷۱، درس ۵۵ ص ۷۲، درس ۵۶ ص ۷۳، درس ۵۷ ص ۷۴، درس ۵۸ ص ۷۵، درس ۵۹ ص ۷۶، درس ۶۰ ص ۷۷، درس ۶۱ ص ۷۸، درس ۶۲ ص ۷۹، درس ۶۳ ص ۸۰، درس ۶۴ ص ۸۱، درس ۶۵ ص ۸۲، درس ۶۶ ص ۸۳، درس ۶۷ ص ۸۴، درس ۶۸ ص ۸۵، درس ۶۹ ص ۸۶، درس ۷۰ ص ۸۷، درس ۷۱ ص ۸۸، درس ۷۲ ص ۸۹، درس ۷۳ ص ۹۰، درس ۷۴ ص ۹۱، درس ۷۵ ص ۹۲، درس ۷۶ ص ۹۳، درس ۷۷ ص ۹۴، درس ۷۸ ص ۹۵، درس ۷۹ ص ۹۶، درس ۸۰ ص ۹۷، درس ۸۱ ص ۹۸، درس ۸۲ ص ۹۹، درس ۸۳ ص ۱۰۰، درس ۸۴ ص ۱۰۱، درس ۸۵ ص ۱۰۲، درس ۸۶ ص ۱۰۳، درس ۸۷ ص ۱۰۴، درس ۸۸ ص ۱۰۵، درس ۸۹ ص ۱۰۶، درس ۹۰ ص ۱۰۷، درس ۹۱ ص ۱۰۸، درس ۹۲ ص ۱۰۹، درس ۹۳ ص ۱۱۰، درس ۹۴ ص ۱۱۱، درس ۹۵ ص ۱۱۲، درس ۹۶ ص ۱۱۳، درس ۹۷ ص ۱۱۴، درس ۹۸ ص ۱۱۵، درس ۹۹ ص ۱۱۶، درس ۱۰۰ ص ۱۱۷.
- الف. اذا علم ان الفعل الفلاني ليس بواجب و لم يعلم أنه حرام أو مكروه أو مباح يجوز تركه.
- ب. عمل العامي بلا تقليد و لا احتياط باطل.
- ج. لا تبطل تولية من نصبه المجتهد متولياً للوقف، بعد موت المجتهد.
- د. ان قطعت اليد مما دون المرفق يجب عليه غسل ما بقي.
- هـ. لو شك في اصل وجود المانع في اعضاء الوضوء يجب الفحص او المبالغة حتى يحصل الإطمئنان.
- و. احتياط در عبارت «الأقوى جواز الوضوء من الماء المستعمل في رفع الحدث الأكبر و ان كان الأحوط تركه مع وجود ماء آخر» استحبابی است.
- ز. ذات العادة الوقتية و العددية اذا رأت أزيد من العادة فالمجموع حيز.
- ح. يعتبر فصل اقل الطهر - و هو الثلاثة - بين النفاس و الحيض المتأخر.
- جوابه ۶ گزیننه اول صحیح و ۲ گزیننه آخر «غلط» می باشد.



امتحانات نیمه حضوری (طخ)

شماره کمال	شماره	شماره
شماره کسم	شماره	شماره

فصل دوم ۹۲-۹۳
پایه نهم ۸۰-۸۱

کد امتحان:	۵۹۲۲/۰۱
تاریخ برگزاری:	۱۳۹۲/۰۲/۲۶
مکان امتحان:	فقه غیر استدلالی
محدوده امتحان:	کل کتاب، به استثنای فصل های ۲، ۴، ۶ و ۷
تاریخ:	۵۵، ۲۳، ۰۲

نام و نام خانوادگی: کلاس: شماره سوال:

۱- جواهری که با غواصی خارج می شود در چه صورتی خمس دارد؟ ص ۲۰۴
الف) در صورتی که قیمت آن به یک دینار برسد.

- ب) در صورتی که مجموع قیمت به یک درهم برسد.
- ج) در صورتی که قیمت آن بیشتر از بیست دینار باشد.
- د) در صورتی که قیمت آن بیشتر از دویست درهم باشد.

۲- ویژگی استحضایی متوسطه در کدام گزینه بیان شده است؟ ص ۹۲
الف) تلوث القطنه بالدم من دون ان یتقیها.

- ب) یسبل الدم من القطنه الی الخرقه الی فوقها.
- ج) تلوث القطنه بالدم و یسبل منها الی الخرقه الی فوقها.
- د) یتقب الدم القطنه و یتظهر من الجانب الاخر و لا یسبل منها الی الخرقه الی فوقها.

۳- کدام یک با صحت مجتهد، منعزل نمی شود؟ ص ۲۷
الف) منصوب از جانب مجتهد

- ب) وکیل از طرف مجتهد در اوقف
- ج) وکیل از جانب مجتهد در اموال قصر
- د) مأذون از طرف مجتهد در اموال کثیر

۴- کدام گزینه درباره ی شرائط مسح صحیح نیست؟ ص ۲۸
الف) آن یثائر المسوح برطوبة الماسح.

- ب) إمرار المسوح علی الماسح.
- ج) الحركة البسیره فی المسوح لا تضر بصدق المسح.
- د) تحقیف المسوح ان كان علیه رطوبة مانعة من تأثیر رطوبة الماسح.

۵- عدالت را تعریف کرده و دو راه از راه های اثبات عدالت مرجع تقلید را بیان کنید. ص ۱۷-۲۰ نمره
جواب: عدالت مرجع تقلید عبارت است از ملکه اتیان (به جا آوردن) واجبات و ترک گناهان.

راه های اثبات عدالت: حسن ظاهری که کاشف علمی یا ظنی از عدالت باشد، شهادت (گواهی) دو عادل شهرتی که باعث حصول علم شود. (ذکر دو راه کافی است)

۶- وضو گرفتن از حوض مسجد و مدرسه علمیه چه حکمی دارد؟ ص ۴۵-۴۰ نمره
جواب: اگر به کیفیت وقف آب علم نفاشته باشد که وقف عمومی شده و یا مخصوص نمازگزاران مسجد یا طلاب است وضو گرفتن جایز نیست، مگر این که به طور معمول هر کس بخواهد از آن آب وضو می گیرد و کسی مانع نمی شود و این امر، کاشف از عمومیت آن برای وضو گرفتن است.

۷- باتوجه به عبارت «لو اشتهیه دم الحیض بدم البکاره - كما اذا افتضت البکر، فسال دم کثیر لا ینقطع، فشک فی انه من الحیض او البکاره او منهما» - بختبر... به سوالات زیر پاسخ دهید. ص ۷۴ و ۷۵-۲۰ نمره
الف) حکم مذکور در عبارت را بنویسید.

جواب: اگر بین خون حیض و خون بکارت اشتباه شد واجب است که امتحان کند. (۰/۵ نمره)

ب) نحوه ی اختیار را بنویسید.

جواب: به این صورت که پنبه ای داخل کند و مدت کمی صبر کند، اگر فقط اطراف پنبه آلوده به خون شد، خون بکارت است و لو صفات حیض را داشته باشد و اگر خون در پنبه نفوذ کرد خون حیض است. (۰/۷۵ نمره)

ج) در صورت عدم امکان اختیار وظیفه چیست؟

جواب: اگر نمی تواند امتحان کند باید به حالت سابقه اش از پاکی یا حیض رجوع کند و بنابر همان حالت بگذارد و در صورت چهل به حالت سابقه باید احتیاط کند به این صورت که بین تروک جانش و افعال حالت طهر جمع کند. (۰/۷۵ نمره)

امتحانات مرکز سطح ۲

تیرماه اول ۸۱-۹۰

شماره برگه	شماره نام خانوادگی	شماره ثبت
شماره برگه	شماره نام خانوادگی	شماره ثبت

کتاب	۲۲۲
شماره	۲
تاریخ	۸۹/۱۰/۳۰
موضوع	فقه غیر استدلالی
کتاب	فقه غیر استدلالی
شماره	کتاب به استناد امر ۷۳-۶۶ و ۱۳۵-۱۰۲ و ۱۶۸۱-۱۰۲ و ۲۲-۷۱

مدرسه: ...
نام: ...
مدرس: ...

نام و نام خانوادگی: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

شماره: ...

۱- گزینه صحیح در رابطه با «مکلف» را انتخاب نمائید.

- الف. يجب علی کل مکلف فی عبادته و معاملاته أن يكون عالماً أو محتاطاً.
- ب. يجب علی کل مکلف فی کل أفعاله أن يكون مجتهداً أو مقلداً أو محتاطاً.
- ج. يجب علی کل مکلف فی عبادته و معاملاته أن يكون مجتهداً أو مقلداً أو محتاطاً. ص ۱۶ من ۸
- د. يجب علی کل مکلف فی أفعاله العبادیه فقط أن يكون عالماً أو محتاطاً.

۲- گزینه نادرست کدام است؟

- الف. بشرط فی المجتهد... الرجولیة و الحرّة و کونه مجتهداً مطلقاً.
- ب. تثبت العدالة بشهادة العدلین و بالشیاع المقید للملک.
- ج. الأعلّم من يكون أحوذاً استیباطاً.
- د. یکفی فی تحقق التقليد استماع التتوی من المجتهد. ص ۱۶ و ۱۷

۳- گزینه صحیح در رابطه با «امر به معروف و نهی از منکر» کدام است؟

- ب. امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی است.
- ج. امر به معروف باید مآذون از جانب حاکم شرع باشد.
- د. امر به معروف کرد ولو احتمال تأثیر هم ندهد. ص ۲۲۶

۴- گزینه صحیح در مورد «دفاع از خود و مال خود» کدام است؟

- الف. اگر به مال او یا مال عیالش هجوم بیاورند، جایز است برای او دفع آن به هر وسیله‌ای که ممکن باشد حتی اگر به قتل مهاجم منجر شود. ص ۲۵۰
- ب. اگر به مال او هجوم بیاورند، می‌تواند با هر وسیله‌ای آن را دفع کند منتهی نباید منجر به قتل مهاجم شود.
- ج. اگر به او حمله کند که او را بکشند، واجب است دفاع کند ولی اگر بداند گشته می‌شود، واجب نیست.
- د. اگر از سوی مهاجم، نقصی بر مدافع، واقع شود، ضامن نمی‌باشد. ص ۲۵۰

۵- اگر از مجتهدی که بقاء بر تقلید میت را جایز می‌داند، تقلید می‌کند و آن مجتهد وفات کند، تکلیف او چیست؟ ص ۲۰

جواب: در اینصورت بقاء بر تقلید آن مجتهد متوفی، در این مسأله رایج جایز نیست، بلکه بر او واجب است در جواز بقاء یا عدم آن به مجتهد زنده اعلی رجوع نماید.

۶- چهار راه دست یابی به فتوای مجتهد را بنویسید. ص ۲۳

جواب: ۱- شنیدن از خود مجتهد. ۲- خیر دادن دو نفر عادل از آن فتوی. ۳- خیر دادن یک نفر عادل، بلکه خیر دادن شخص موفقی که قولش موجب اطمینان باشد نیز کافی است. هر چند عادل نباشد. ۴- یافتن فتوی در رساله مجتهد، البته باید آن رساله حتماً بدون غلط باشد.

۷- حکم وضو با آبی که برای رفع خبث یا حدث (اصفر یا اکبر) بکار رفته است، چیست؟ (به تفکیک بیان کنید) ص ۴۷

جواب: آب وضو نباید در رفع خبث بکار رفته باشد، اگر چه باک باشد مثل آب استحوا، با شرایط خاص، آبی که در رفع حدث اصفر بکار رفته است، وضو با آن تسکین بخورد، همچنان آبی جواز وضو با آبی است که در رفع حدث اکبر بکار رفته است، اگر چه احوط ترک وضو با چنین آبی است، البته در صورت بودن آبی دیگر.

عنوان: فقه غراندلای پایه و دوره دوم پنج ساله
کتاب: فقه غراندلای محدوده کل کتاب به استثناء فصول ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰
نمره: ۲۰
مهلت پاسخگویی: ۹۰ دقیقه

امتحانات مشترک دوره عمومی
نیمسال دوم ۸۹ - ۸۸

جوابیه

اول			
دوم			

تذکره: سوال ۱۰ و ۱۱ حذف و بارم آنها بین سوالات ۵ و ۶ و ۱۱ تقسیم گردید.

۱. گزینه نادرست را انتخاب کنید. ص ۱۶ - ۱ نمره

الف) تقلید هو الالتزام بالعمل بقول مجتهد معین و ان لم يعمل بعد.

ب) تعرف المدالة بحسن الظاهر الكاشف عنها علماً أو ظناً

ج) التقليد هو العمل مستنداً الى فتوى المجتهد و لا يكون مجرد الالتزام

د) يشترط في المجتهد ان يكون اعلم فلا يجوز على الاحوط تقليد المنقول مع التمكن من الافضل

۲. گزینه نادرست را مشخص کنید. ص ۳۵ - ۱ نمره

الف) يجوز أن يمسح على الشعر الثابت في المقدم بشرط ان لا يتجاوز بدمه عن حد الرأس

ب) لا فرق بين ان يكون مسح الرأس طويلاً او عرضاً او منحرفاً

ج) مسح الرجلين من رؤوس الاصابع الى الكعبين و المفصل بين الساق و القدم على قول بعضهم هو الاحوط

د) يجب ان يكون مسح الرأس من طرف الطول بقدر اصبع

۳. گزینه درست را در گزینه های ذیل مشخص کنید. ص ۴۱ - ۱ نمره

الف) الانسراف في ماء الوضوء حرام لكن الانسباغ مستحب

ب) الوضوء من الآتية المفضضة او المذهبه او المنقوشه بالصور مكرهه

ج) لا فرق في عدم صحة الوضوء في النصب بين صورة العلم و العمد و الجهل او النسيان د) مع الشك في رضا المالك يجوز التصرف ولا يجري عليه حكم النصب

۴. گزینه نادرست را در گزینه های ذیل انتخاب کنید. ص ۵۶ - ۱ نمره

الف) اذا علم بوجود مانع و علم زمان حدوثه و شك في ان الوضوء كان قبل حدوثه فالاحوط الاعاده

ب) اذا شك بعد الاصلاة في الوضوء لها و عدمه بنى على صحة لكنه محكوم ببقاء حدته

ج) لو كان الشك في الوضوء للصلاة و عدمه في اثناء الصلاة وجب الاستئناف بعد الوضوء

د) اذا شك في وجود الحاجب و عدمه قبل الوضوء أو في الائتاء لو كان مسبقاً بالوجود وجب تحصيل اليقين.

۵. در صورتی که خون حیض یا خون بکارت مشتبه شود وظیفه چیست. ص ۷۴ - ۱/۵ نمره

پنبه ای را داخل فرج می کند و بعد از اندکی آن را خارج می کنند اگر اطراف آن خون آلود بود خون بکارت است و اگر خون به همه جا رسیده بود حیض است.

۶. دو نمونه از محرمان و دو نمونه از مکروهات حائض نسبت به قرآن را ذکر کنید. ص ۸۵ و ۹۰ - ۲ نمره

جواب: محرمان (مس کتابه قرآن و قرائت سوره عزائم با بعضی آن مکروهات) قرائت قرآن و لو کمتر از ۷ آیه و حمل مصحف و لمس حاشیه و بین سطور قرآن

۷. اگر مکلف شک در بعضی اجزاء یا شرایط تیمم داشته باشد، حکم مسأله چیست؟ ص ۱۲۲ - ۱ نمره

حذف به علت خیار از محسوده بودن

۱۲- مراد از «حیثیت قضائیه» و «حیثیت تعلیمی» را به همراه مثال توضیح دهید. من ۲۷۸ - ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: حیثیت که عرفاً مَظْمُون و مَوعوم حکم مستند مثلاً شرح فرموده باشد «للمنفیه» در این صورت، صفت بودن، دلیل وجوب اکرام است. حال اگر ریزه همان کسی شده باشد تا وقتی صفت وجوب اکرام، بشری است و پس از انقضاء صفت، عرف حکم عرفی می‌کند که وجوب مذکور متعلق است لذا اگر بعد از آنکه میزان تاریخ دولتی در تاریخ از منزل میزان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی‌داند چون هدف صفت بودن به مَظْمُون و مَوعوم می‌راند. این نمودار حیثیت قضائیه به اینسان است: عرفاً مَظْمُون حکم نیست مثلاً اگر شرح فرموده باشد «للمنفیه» یا «بالمستثنی» در این صورت، «مَوعوم» حیثیت جنسی است. حال اگر کسی غیر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی پول بنده پسنداً حکم تجنیس موجود است اگر این غیر فعلی زاری نشد و دیگر این بی بوی بود، عرف همچنان آب را متجنس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیمی می‌نامند.

۱۴- استحباب «کلی قسم دروم» را با ذکر مثال توضیح داده، حکمش را بنویسید. من ۲۶۰ - ۲۶۰ - ۲ نمره

جواب: حیثیت کلی در صورت مشروط می‌شود - که بقیه به روایت داریم - و طویل الوجود - که بقیه به روایت داریم- مثلاً می‌توانیم که مباحثی فعلی انسان داخل محدث شدن امری نامی که آیا زود بود یا عمود یا طرف دیگر اکنون زیند را در خارج مستحق می‌بینیم، پس بقیه داریم که اگر آن کلی (یعنی انسان) در ضمن این فرضی [یعنی زیند] در مستحق و وجوب یافته بود هر دو (مرفوع و معلوم) ششده زاری اگر کلی در ضمن فرد دیگرش (عموم) در مستحق وجود یافته بود، بلاغی هر دو محتمل است. در این صورت، استحباب کلی جاری می‌شود چون از آن استحباب - یعنی بقیه به حدوت و شک در بقایه - نام است، ولی استحباب حیثیت که در فرد جاری نیست چون از آن استحباب نام نیست - چرا که حدوت عموم مشروط است و زود زیند بقیه است.

۱۵- «حکومت» را توضیح داده و مثال بزنید. من ۲۸۰ - ۲۸۰ - ۲ نمره

جواب: حکومت یعنی یک دلیل مظهر بر موعوم یا محمول دیگر باشد و در مذهب تفسیر آن باشد به این صورت که گاهی موعوم یا محمول را تقسیم می‌کند گاهی این ترتیب می‌دهد. (۱۵ نمره) مثلاً اگر جرم (مستحکم) لا ربا بین الولد و ابی القادر (یا ماکرم) یا حکومت «لا شیرو و لا شیرو فی الاسلام» بر اهل خانه ماکرمه مثل وجوب میوه - (۱۵ نمره)

۱۶- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۷- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۸- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۹- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۰- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۱- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۲- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۳- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۴- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۵- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۶- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۷- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۸- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۹- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۰- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۱- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۲- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۳- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۴- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۵- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۶- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۷- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۸- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۹- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۴۰- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۴۱- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۴۲- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۴۳- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۸- شهید صدر بر رفع در حدیث «رفع با الاطلاق» را رفع ظاهری می‌داند، زیرا محال است «علم به حکم» در موعوم حکم اخذ شود، چه اشکالی به دلیل ایشان ملاحظ نموده‌اند. جواب شهید صدر بر آن چیست؟ من ۲۴۵ - ۲۴۵ - ۲ نمره

۹- درباره شریعت نصح در برائت گفته شده است «ان بعضی اوله البرائة اطلاق لفظ النصح كما فی حدیث الرفع» شهید صدر بر آن جواب می‌فرماید «لا بد من رفع علیه عن هذا الاطلاق» لایمور» دو امر از آن امور را بنویسید. من ۲۴۵ - ۲۴۵ - ۲ نمره

۱۰- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۱- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۲- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۳- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۴- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۵- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۶- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۷- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۸- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۱۹- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۰- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۱- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۲- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۳- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۴- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۵- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۶- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۷- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۸- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۲۹- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۰- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۱- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۲- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۳- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۴- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۵- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۶- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۷- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۸- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۳۹- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

۴۰- دلایل مشهور در عبارت «ذهب المشهوری الی استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالی» بآنها تریض فی المخالفة

	مهر مدرسه	اصول فقه ۴	برای: کتاب: الحفلة الثانية (تهدیه صدر دریا)	موضوع: در ابتدای درس ۲۲۱ پایان کتاب
--	-----------	------------	---	-------------------------------------

نام و نام خانوادگی: شماره پرسشنامه: مدرسه: شهر: استان:

۱- به نظر شهید صدر $\frac{1}{2}$ قاعده اولیه و ثانویه در «شک در تکلیف» به ترتیب چیست؟

الف. احتیاط عقلی و برائت عقلی

ب. برائت عقلی و برائت شرعی

ج. احتیاط عقلی و برائت شرعی

د. برائت شرعی و احتیاط عقلی

۲- شک در «وجوب نماز آیات به واسطه ی خسوف»، شک در تکلیف است یا مکلف به؟ مجرای چه اصلی است؟

الف. تکلیف - برائت

ب. تکلیف - اشتغال

ج. مکلف به - برائت

د. مکلف به - اشتغال

۳- در مثال «إذا أتى المكلف بفعل مترسلاً ثم علم إجمالاً بأن الشارع أوجب عليه إما هذا الفعل أو فعل آخر، فعلى الأول يكون التكليف قد سقط بالإتيان بالمكلف به و على الثاني يكون ثابتاً، فالتكليف لا يعلم بثبوته فعلاً» کدام یک از ارکان اربعه منجزیه علم اجمالی اختلال پیدا کرده است؟

الف. الركن الأول

ب. الركن الثاني

ج. الركن الثالث

د. الركن الرابع

۴- کسی مقداری انگور دارد و یقین دارد که «هذا العنب اذا غلى حرم». پس از مدتی انگورها تبدیل به کشمش می شوند و شک می کند که «هذا الزبيب اذا غلى حرم أو لا؟». این مورد، مثال برای کدام استصحاب است؟

الف. استصحاب مجهولة التاريخ

ب. استصحاب کلی قسم سوم

ج. استصحاب تدریجیات

د. استصحاب تعلیقی

۵- مثال «إذا كان على يقين من نجاسة ثوب يوم السبت فشك يوم الاحد في نجاسته يوم السبت» مجرای کدام قاعده یا اصل است؟

الف. اصل برائت

ب. قاعده یقین

ج. اصل استصحاب

د. قاعده مقتضی و مانع

۶- تعارض بین «ادله برائت عقلی» با «ادله خبر واحد» به چه نحو است؟

الف. ظاهر و نص

ب. مورود و وارد

ج. عام و خاص

د. محکوم و حاکم

۸- شهید صدر (ره) رفع در حدیث «رفع ما لا یعلمون» را رفع ظاهری می‌داند، زیرا محال است قید «علم به حکم» در موضوع حکم اخذ شود، چه اشکالی به دلیل ایشان مطرح نموده‌اند و جواب شهید صدر (ره) از آن چیست؟ ص ۲۴۵-۲۴۶ نمره ۲

جواب: اشکال: امکان دارد اخذ قید علم به حکم در موضوع مجعول (۱/۵) - جواب شهید (ره): ظاهر حدیث رفع این است که آن چه مرفوع است همان مجعول است. درحالی که بنابر اخذ علم به جعل در موضوع مجعول، مرفوع غیر از مجعول است. زیرا مرفوع، مجعول است؛ درحالی که مجعول جعل است. لذا ظاهر حدیث با اخذ علم به جعل در موضوع مجعول (با دارد) (۱/۵) نمره

۹- درباره شرطیت فحص در برائت گفته شده است: «ان بعض ادلة البرائة له اطلاق لخالفة ما قبله الفحص كما في حدیث الرفع»، شهید صدر (ره) در جواب می‌فرماید: «لا ید من رفع الید عن هذا الاطلاق لامور»، دو امر از این امور را بنویسید. ص ۲۵۵-۲۵۶ نمره ۲

جواب: ۱. مکلف علم اجمالی دارد که نسبت به برخی وقایع تکلیف دارد، لذا برای اینکه بتواند برائت جاری کند باید جستجو کند تا به آن مقدار که اجمالا برایش معلوم بوده است دست پیدا کند و علم اجمالی منحل شود. ۲. آنچه دلالت می‌کند بر وجوب تعلم - مثل اینکه در قیامت از انسان پرسیده می‌شود چرا عمل نکردی؟ می‌گوید نمی‌دانستم، به او می‌گویند چرا یاد نگرفتی؟ - اطلاق دلیل برائت را تقید می‌زند به موارد بعد از فحص و ثابت می‌کند که شک بلافحص و یادگیری عذر شرعی محسوب نمی‌شود. ۳. برخی ادله برائت مثل «ما کنا معذین حتی نبعث رسولا» دلالت می‌کند بر اینکه غایت برائت بعث رسول است، و از آنجایی که «بعث رسول» کتابه از بیانی است که در معرض وصول باشد نه اینکه وصولش به فعلیت رسیده باشد، برائت مشروط است به اینکه بیان در معرض وصول نباشد، لذا فحص قبل از برائت واجب است تا معرضیت وصول منتفی شود.

۱۰- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعية». را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) بر آن را بیان کنید. ص ۲۶۱ و ۲۶۲-۲ نمره ۲

جواب: مشهور علما معتقدند جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است، زیرا وجود علم (و لو اجمالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم. پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازم‌آورد این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبیح است عقلاً. در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر (ره): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی. در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۱۱- تفصیل در عبارت «و قد یفصل بین أن یكون الشرط محتملاً بلحاظ المتعلق و بین کونه محتملاً بلحاظ الموضوع» درباره جریان برائت در شرط مشکوک را در ضمن مثال تبیین نموده، اشکال شهید صدر (ره) به آن را بنویسید. ص ۲۷۰-۲ نمره ۲

جواب: در خطاب «عقلی رقیه» متعلق، عقل و موضوع، رقیه است. گاهی شک تعلق می‌گردد به دعا هنگام عتق و گاهی تعلق می‌گیرد به شرط ایمان در رقیه. در حالت اول برائت جاری می‌شود، زیرا مرجع شک به شک در تقید واجب [عقل] به دعا است، یعنی شک در تکلیف زائد، لذا برائت از تکلیف زائد جاری می‌شود و در حالت دوم برائت جاری نمی‌شود، زیرا رقیه مومن متعلق و وجوب نیست. پس شک در تقید رقیه به ایمان شک در وجوب نیست تا بتوان برائت جاری کرد. اشکال شهید: هر چند مقید کردن رقیه به ایمان متعلق امر نیست، اما تقید عقل به ایمان رقیه متعلق امر است. پس شک در قید بودن ایمان در واقع، شک در مقید بودن عقل به ایمان رقیه است. و از آن جهت که تقید تحت اختیار مکلف است و تعلق وجوب به آن معقول است پس هنگام شک در وجوب این تقید، نسبت به آن برائت جاری می‌شود.

۱۲- اگر رکن اول استصحاب عبارت از «یقین به حدوث» باشد، اشکال شده در مواردی که اماره بر حالت سابقه قائم شده است نباید بتوان مؤدای اماره را استصحاب کرد در حالی که شکی در استصحاب آن نیست، دو جوابی که از این اشکال داده شده است را بیان نمایید ص ۲۸۲-۲ نمره ۲

جواب: جواب اول از محقق نایبی: از آن جهت که قطع، جزء موضوع استصحاب است، قطع در آن موضوعی است و بر اساس اینکه اماره قائم مقام قطع موضوعی است، می‌تواند قائم مقام قطع موضوعی واقع در موضوع استصحاب قرار بگیرد. جواب دوم: برخی منکر رکنیت یقین برای استصحاب شده‌اند و استظهار کرده‌اند: یقین که در لسان دلیل اخذ شده است، به عنوان اینکه مسیر به حدوث است اخذ شده است و چون اماره حدوث را ثابت می‌کند، پس استصحاب جاری می‌شود.

۱۳- در ضمن مثال استصحاب سببی و مسببی را تعریف نمایید. ص ۲۹۸-۲ نمره ۲

جواب: هنگام شک در طهارت آب، از آن جهت که طهارت آب موضوع جواز شرب است، هنگام شک در جواز شرب آب، استصحاب طهارت آب جاری می‌شود و جواز شرب که اثر آن است را ثابت می‌کند. به استصحاب جاری در طهارت آب، استصحاب سببی گفته می‌شود. زیرا مانند سببی است برای حکم شرعی جواز شرب. حال اگر به خود حکم جواز شرب توجه کنیم، قبلاً متیقن الحدوث بوده و الان مشکوک‌الیقین است، لذا حالت سابقه آن یعنی جواز شرب را استصحاب می‌کنیم، به استصحاب جاری در جواز شرب اصل مسببی گفته می‌شود، زیرا جواز شرب مانند مسبب است برای طهارت آب.

۱۴- «ورود» را با مثالی توضیح داده و فرق اصلی آن را با «تعارض» و «تزام» بنویسید. ص ۳۰۳-۲ نمره ۲

جواب: در ورود تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد و در حقیقت یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می‌کند. ز فعلیت حکم معلق به تحقق موضوع است، مثال: دو مجعول در دو حکم «إذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «إذا لم یجد الماء فلیتیمم للصلاة» با هم تنافی دارند. (۱/۵) نمره

۱۵- یک وجه برای تقدیم استصحاب در تعارض بین «برائت و استصحاب» را نوشته، توضیح دهید. ص ۳۱۱-۱ نمره ۱

جواب: ۱. دلیل استصحاب حاکم بر دلیل برائت است. چون دلیل برائت در موضوع عدم علم اخذ شده ولی دلیل استصحاب لسان آن ابقای یقین است یعنی با و استصحاب گویا شکی نیست لذا موضوع برائت ملغی می‌شود. ۲. دلیل استصحاب عرفاً اظهر از دلیل برائت است در عمومیت و شمول (نسبت به محل اجتماع هر که حالت شک بلوی مسبوک به یقین باشد) چون در بعضی روایات استصحاب فرموده: لا ینقض الیقین بالشک أبداً، و این تأیید آن را اقوی دلالت از دلیل برائت می‌دهد [یک وجه کافی است].

۷- شهید صدر (ره) رفع در حدیث «رفع ما لا یعلمون» را رفع ظاهری می‌داند، زیرا محال است قید «علم به حکم» در موضوع حکم

۲

اخذ شود، چه اشکالی به دلیل ایشان مطرح نموده‌اند و جواب شهید صدر (ره) از آن چیست؟ ص ۲۲۳
جواب: اشکال: شهید (ره) قائل است که اگر قید «علم به جعل» در موضوع مجعول اخذ شده باشد محال نیست، در نتیجه دلیل ایشان با مبنای خود شهید (ره) سازگار نیست جواب شهید صدر (ره): ظاهر حدیث آن است که مرفوع و معلوم یک چیز است یعنی رفع و علم بر یک مرکز قرار می‌گیرند «حدیث رفع ما لا یعلمون» و اگر فرض کنیم علم به جعل در موضوع مجعول اخذ شده است این معنایش این است که متعلق علم، جعل است ولی متعلق رفع، مجعول است (زیرا مجعول مقید به علم شده است) و این خلاف ظاهر است در نتیجه باید متعلق علم و رفع هر دو یکی بوده و آن مجعول است، یعنی حکم مجعول مرفوع است تا زمانی که علم به آن نداشته باشیم. [رساندن مفهوم کفایت می‌کند].

۲

۸- اعتراض محقق نائینی (ره) بر «اجراء استصحاب» برای اثبات برائت را بیان کرده، دو اشکال شهید صدر (ره) بر ایشان را تقریر نمائید. ص ۲۲۹ و ۲۳۰

جواب: استصحاب عدم حدوث «مشکوک الحدوثیه» زمانی جاری می‌شود که اثری که مطلوب است قبلاً محقق نشده باشد، اما هنگامی که این اثر بدون اجراء استصحاب هم حاصل است (مانند استصحاب عدم تکلیف که نفس شک در تکلیف برای اثبات عدم تکلیف کفایت می‌کند)، اگر استصحاب جاری کنیم تحصیل حاصل است. اشکال شهید (ره): ۱. قاعده قبح عقاب بلا بیان را قبول نداریم. ۲. اثر دارد و آن اینکه اثبات برائت با قاعده قبح عقاب بلا بیان در درجه‌ای پایین‌تر از اثبات برائت با اجراء استصحاب می‌باشد. [اثبات شرعی برائت محکم‌تر و مطمئن‌تر از اثبات عقلی برائت است].

۲

۹- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البراءة فی کل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخیص فی المخالفة القطعیة» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) بر آن را بیان کنید. ص ۲۴۷ و ۲۴۸

جواب: مشهور علما معتقدند، جریان اصل برائت در تمام اطراف علم اجمالی محال است. زیرا وجود علم (و لواجبالی) مقتضی امتثال حکمی است که علم (اجمالی) به آن داریم پس اگر بتوان در اطراف، برائت را جاری کرد، لازمه‌اش این است که بتوانیم با آن حکم بالاجمال مخالفت قطعی کنیم و این معصیت حرام است شرعاً و قبح است عقلاً در نتیجه ترخیص محال است. جواب شهید صدر (ره): باید در نوع حکم عقلی دقت کنیم در این مورد حکم عقلی معلق است به عدم ترخیص ظاهری از جانب مولی در نتیجه ترخیص مخالف حکم عقل نیست بلکه موضوع آن را رفع می‌کند، و اگر بگویید حکم عقل معلق نیست ادعایی بدون دلیل است.

۲

۱۰- نظر شهید صدر (ره) درباره «حالت تردد اجزاء واجب بین اقل و اکثر» را به همراه نقد نظر مخالفین، تبیین کنید. ص ۲۵۹ و ۲۶۰

جواب: دوران امر بین اقل و اکثر از موارد علم اجمالی نمی‌باشد زیرا در علم اجمالی باید طرفین متباین باشد ولی در این مورد متداخل هستند. مخالفین قائلند که دو طرف علم اجمالی متباین هستند به این صورت که علم اجمالی متردد است بین وجوب تسعه مطلقه و وجوب تسعه مقیده به جزء عاشر در نتیجه علم اجمالی داریم، شهید صدر (ره) می‌فرمایند که وجوب تسعه مطلقه به این معنا نیست که واجب است تسعه و واجب است اطلاق، بلکه اطلاق فقط کیفیت لحاظ مولی است که نتیجه می‌دهد عدم وجوب عاشر را و اما وجوب تسعه در ضمن عشره یعنی وجوب تسعه و وجوب جزء عاشر و این یعنی واجب مردد بین اقل و اکثر است نه متباین [بله علم اجمالی بین دو لحاظ است ولی علم اجمالی به تکلیف نیست که منجز باشد].

۲

۱۱- ارکان «استصحاب» را نوشته، بیان کنید مراد از اصل مثبت در مبحث «استصحاب» چیست؟ ص ۲۷۶ و ۲۸۴

جواب: ۱. یقین به حدوث. ۲. شک در بقاء. ۳. وحدت قضیه‌ی متیقنه و مشکوکه. ۴. حالت سابقه به گونه‌ای باشد که در مرحله بقاء اثری داشته باشد که تعبد به بقای حالت سابق را تصحیح کند. (۱۱ نمره) اصل مثبت: استصحابی که به وسیله آن حکم شرعی اثبات شود که این حکم متردد است و اثر تکوینی مستصحب (۱۱ نمره) ۱- هر توان با اینکه ما چه چیز در موردش تردید داریم، در موردش یقین داریم. ۲- هر توان با اینکه ما چه چیز در موردش تردید داریم، در موردش یقین داریم. ۳- هر توان با اینکه ما چه چیز در موردش تردید داریم، در موردش یقین داریم. ۴- هر توان با اینکه ما چه چیز در موردش تردید داریم، در موردش یقین داریم.

۲

۱۲- برای «استصحاب حکم معلق» مثال زده، دلیل مرحوم نائینی (ره) بر عدم جریان آن را بنویسید. ص ۲۸۸ و ۲۸۹

جواب: ما قضیه شرطیه داریم که می‌گوید اگر این انگور بجوشد حرام می‌شود ولی ما شک داریم حال که انگور تبدیل به کشمش شده است این قضیه شرطیه هنوز باقی است یعنی باز هم با غلیان نجس می‌شود یا نه استصحاب می‌کنیم آن قضیه شرطیه را. دلیل مرحوم نائینی (ره): در حکم شرعی فقط جعل و مجعول داریم و جعل که شکی در بقائش نیست (رکن ثانی مختل است) و در مجعول نیز یقین به حدوث نداریم (رکن اول مختل است) و اما قضیه شرطیه در عالم تشریح چیزی جز جعل و مجعول نیست تا استصحاب قضیه جاری شود.

استصحاب
باعتبار حصول کلی
باعتبار فعل انسان دانما
کلی (یعنی انسان
عمومی)

۷- نظر شهید صدر (ره) درباره موصول در آیه شریفه «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَاءً آتَنَهَا» را تبیین کرده، اعتراض شیخ انصاری

۲

بر این نظر را توضیح دهید. ص ۲۱۸ و ۲۱۹

جواب: بنا بر نظر شهید صدر (ره) مراد از موصول معنایی است جامع که شامل مال و فعل و تکلیف می‌شود، زیرا آیه اطلاق دارد. شیخ انصاری (ره) اراده جامع محال است زیرا اسم موصول به لفاظ شمولش برای تکالیف مفعول مطلق است و به اعتبار شمولش برای مال مفعول به و نسبت بین مفعول مطلق با فعل با نسبت بین فعل و مفعول به متفاوت است و این منجر می‌شود یک لفظ در دو معنا استعمال شود و این محال است.

۸- چرا جریان حدیث رفع، در مورد استحباب که احتمال عقاب ندارد، لغو است؟ دو دلیل بنویسید. ص ۲۴۳

۲

جواب: زیرا اگر هدف از اجرای برائت، اثبات ترخیص در ترک است، این ترخیص در امور استحبابی، یقینی است و نیازی به اصل برائت نداریم و اگر هدف از اجرای برائت، اثبات عدم رجحان احتیاط است، این یقینی البطلان است چون احتیاط علی ای حال راجح است.

۹- با توجه به عبارت «بِسْمِ اللَّهِ الْمَشْهُورِ عَلَى إِسْتِحْضَةِ جِرْيَانِ الْبِرَاءَةِ فِي اطْرَافِ الْعِلْمِ الْإِجْمَالِيِّ بِأَنَّ التَّرْخِصَ فِي الْمَخَالَفَةِ الْقَطْعِيَّةِ تَتَأْتِي بِالْوُجُوبِ الْوَاقِعِيِّ الْمَعْلُومِ بِالْإِجْمَالِ..» و برد علیه: «أَنَّ هَذَا الْإِسْتِدْلَالَ إِنَّمَا يَتِمُّ إِذَا كَانَ التَّرْخِصُ الْمَذْكُورُ وَاقِعِيًّا» استدلال مشهور و

۲

جواب شهید صدر (ره) را تبیین کنید. ص ۲۴۸

جواب: استدلال مشهور: اگر بدانیم که یکی از این چند چیز واجب است، آنگاه اجرای اصل برائت در تمام اطراف، علم اجمالی منجر به ترخیص در... قطعیه می‌شود، و این ترخیص با وجوب واقعی ای که یقیناً وجود دارد، منافات دارد، زیرا احکام تکلیفی با هم منافات دارند. پس اجرای اصل برائت در همه اطراف علم اجمالی ممکن نیست. پاسخ شهید صدر (ره): توافقی بین دو حکم واقعی، در صورتی است که آن دو حکم واقعی باشند، نه جایی که یک حکم واقعی و دیگری ظاهری است، لذا استدلال مذکور در صورتی صحیح است که اجرای اصل برائت، منجر به ترخیص واقعی شود، در حالی که اصل برائت ترخیص ظاهری را ثابت می‌کند پس با وجوب واقعی که علم اجمالی به آن داریم، منافاتی پیدا نمی‌کند.

۲

۱۰- آیا علم اجمالی در دوران امر بین «تعیین و تخیر» منجز است؟ توضیح دهید. ص ۲۴۳

جواب: خیر زیرا علم اجمالی به دلیل اشتغال بر رکن سوم حکماً منحل می‌شود. توضیح: اصل برائت در جانب وجوب تخیری جاری نمی‌شود (با قطع نظر از تعارض بین دو اصل در دو طرف، علم اجمالی) زیرا اگر برائت را در جامع بین موارد تخیر جاری کنیم، مستلزم مخالفت قطعیه می‌شود در نتیجه اجرای چنین اصلی معتذر است و اگر اصل برائت را نقاط برای تأمین از ناحیه وجوب تبیین جاری کنیم لغو است زیرا مکلف در حالتی که رأساً جامع را ترک می‌کند می‌داند که از جهت صدور مخالفت نظریه از سوی خودش در امان نیست پس دیگر نمی‌تواند اعتماد عدم امنیت به جهت مخصوصی چه اثری خواهد داشت. [رساندن مفهوم کفایت می‌کند].

۱۱- قاعده «الیقین» را به همراه مثالی تعریف کرده، فرق آن با استصحاب چیست؟ ص ۲۶۶ و ۲۶۷

۲

جواب: اگر یقین به چیزی داشته باشیم و سپس در اصل وجود همان شیء شک کنیم به این معنا که تردید کنیم آیا واقعاً آنچه می‌پنداشتیم هست، وجود دانست (یقین، صادق بود) یا نه (یقین، کاذب بود)، چنین حالتی مجرای قاعده یقین است. مثل اینکه روز جمعه یقین به عدالت شخصی داشتیم و روز شنبه در عدالت همان شخص در روز جمعه شک کنیم. فرق در استصحاب شک در بقاء متیقن است بدون آنکه یقین سابق به لفاظ زمان سابق از بین برود، اما در قاعده یقین، یقین سابق باقی نمی‌ماند و نسبت به همان زمان از بین می‌رود.

۱۲- با توجه به عبارت «و المستفاد من دليل الاستصحاب (حديث لا تنقض) تقوّمه بأربعة أركان و اما الركن الثاني و هو الشك

۲

فدماً، نوذ في نسان الدليل و المراد: به مطلق عدم العلم» ارکان استصحاب را بیان کرده، توضیح دهید چرا مراد از «شک» بطلان عدم علم امنیت؟ ص ۲۷۶، ص ۷

۲

جواب: ۱) یقین به حدوث، ۲) شک به بقاء، ۳) وحدت قضیه متیقنه و مشکوکه، ۴) حالت سابقه در مرحله بقاء دارای اثری باشد که تصحیح کننده تعبد به بقاء باشد. ۱) (نمره) زیرا عبارت «لکن انقضه یقین آخر» دلیل بر این است که تنها با یقین دیگری می‌توان یقین سابق را نقض نمود و غیر از یقین هیچ چیزی هستی ظن نام نمی‌تواند یقین سابق را نقض نماید پس مقصود از شک مطلق عدم علم است. (۱ نمره)

۷- با توجه به عبارت «و يمكن تلخيص استدلال المحقق النائيني على قاعدة قبح العقاب بلا بيان بالاستشهاد بالاعراف العقلانية و استحباب معاقبة الأمر في المجتمعات العقلانية ما موره على مخالفة تكليف غير واصل» استدلال مرحوم نائینی رحمه الله و جواب شهید صدر رحمه الله را

۲

بنویسید. ص ۲۱۶ س ۸ - ۲ نمره

جواب: استدلال مرحوم نائینی: عرف و عقلاء عقاب عبد را بوسیله مولای عرفی به خاطر مخالفت با تکلیف غیر معلوم فبیح می‌شمردند. (و حدود حق اطاعت موالی عرفی را تکالیف قطعی و معلوم می‌دانند فلذا محدوده حق اطاعت شارع هم تکالیف قطعی و معلوم است) بنابراین عقاب شارع همانند موالی عرفی زمانی صحیح است که تکلیف واصل و معلوم باشد.

جواب مؤلف: قیاس حق طاعت خدا با حق طاعت موالی عرفی بدون دلیل است زیرا حق طاعت امراء و موالی عرفی، جعلی می‌باشد و به تبع همین جعل، وسعت و ضیق دائره آن معلوم می‌شود که عادتاً در حدود تکالیف مقطوعه جعل می‌گردد، اما حق طاعت خداوند متعال ذاتی تکوینی می‌باشد، فلذا مضیق بودن دائره حق محمول، ملازم با مضیق بودن دائره حق ذاتی تکوینی نمی‌باشد بلکه برای تحدید دائره حق خداوند متعال باید به عقل عملی رجوع نمود که مقتضی تعمیم است.

۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث: «رفع عن امتی تسعة: الخطأ و النسيان و ما اكرهوا عليه و ما لا يعلمون و ما لا يطيقون و ما اضطرو اليه و...» قائل به اختصاص «رفع ما لا يعلمون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، استدلال ایشان با جواب شهید صدر رحمه الله از آن را

۲

بنویسید. ص ۲۲۴ س ۱۱ - ۲ نمره

جواب: اسم موصول یعنی کلمه «ما» در این حدیث چهار بار تکرار شده که در سه مورد آن «ما اكرهوا عليه و ما لا يطيقون و ما اضطرو اليه» مراد از آن موضوع خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سیاق «ما»ی در «ما لا يعلمون» هم حمل بر موضوع خارجی می‌شود و لذا مختص به شبهه موضوعیه خواهد شد. جواب: وحدت سیاق فقط اقتضاء می‌کند که لفظ تکرار شده در سیاق واحد در مدلول واحدی استعمال شده باشد یعنی اراده استعمالیه از آن یکی باشد نه اینکه مصادیق واحدی هم اراده شود، و در اینجا هم اسم موصول در همه فقرات به معنای واحد و عام مبهمی که «شیء» باشد استعمال شده و لذا وحدت سیاق محفوظ است و اگر مراد جدی از این «شیء» در بعضی فقرات مصادیقی غیر مصادیق در بعضی دیگر باشد، وحدت سیاق ضربه نمی‌بیند مثلاً در آن سه مورد با توجه به صفاتی مثل «اكرهوا عليه» برای «ما» آمده موضوع خارجی مراد باشد و از «ما»ی در «ما لا يعلمون» مصادیق دیگری مراد جدی باشد وحدت سیاق محفوظ است. [رساندن مفهوم کفایت می‌کند.]

۲

۹- چرا جریان حدیث رفع، در مورد استحباب که احتمال عقاب ندارد، لغو است؟ دو دلیل بنویسید. ص ۲۴۴ - ۲ نمره

جواب: زیرا اگر هدف از اجرای براءت، اثبات ترخیص در ترک است، این ترخیص در امور استحبابی، یعنی است و نیازی به اصل براءت نداریم و اگر هدف از اجرای براءت، اثبات عدم رجحان احتیاط است، این یقینی البطلان است چون احتیاط علی‌ای حال راجح است.

۱

۱۰- ارکان چهارگانه منجزیت علم اجمالی را نام ببرید. ص ۲۵۲ و ۲۵۳ - ۱ نمره

جواب: ۱. وجود علم به جامع ۲. وقوف علم به جامع و عدم سرایت به افراد ۳. هر دو طرف صرف نظر از تعارض مسمول ادله براءت باشند. ۴. جریان براءت در هر دو طرف باعث ترخیص در مخالفت قطعی شود.

۲

۱۱- آیا علم اجمالی در دوران امر بین «تعیین و تخییر» منجز است؟ توضیح دهید. ص ۲۶۳ - ۲ نمره

جواب: خیر زیرا علم اجمالی به دلیل اختلال در رکن سوم حکماً منحل می‌شود. توضیح: اصل براءت در جانب وجوب تخییری جاری نمی‌شود [با قطع نظر از تعارض بین دو اصل در دو طرف علم اجمالی] زیرا اگر براءت را در جامع بین موارد تخییر جاری کنیم، مستلزم مخالفت قطعیه می‌شود در نتیجه اجرای چنین اصلی متعذر است و اگر اصل براءت را فقط برای تأمین از ناحیه وجوب تخییری جاری کنیم لغو است زیرا مکلف در حالتی که رأساً جامع را ترک می‌کند می‌داند که از جهت صدور مخالفت قطعیه از سوی خودش در امان نیست پس دیگر نفی استناد عدم امنیت به جهت مخصوصی چه اثری خواهد داشت. [رساندن مفهوم کفایت می‌کند.]

۱۲- چرا ممکن است ادعا شود که صحیحه زراره «... و الا فانه علی یقین من وضوئه، و لا ینقض الیقین ابدأ بالشک...» ناظر به قاعده

۲

مقتضی و مانع است نه استحباب؟ جواب شهید رحمه الله به این ادعا چیست؟ ص ۲۷۲ س ۸ - ۲ نمره

جواب: چون در استحباب باید شک به بقای منقح تعلق بگیرد و حال آنکه در روایه یقین به وضوء فرض شده و وضوء هم بقائی ندارد تا شک در بقاء صدق کند، چون وضوء همان افعال خارجی است که تمام شده است پس شک در اینجا شک در حدوث نوم که مانع است خواهد شد و این همان قاعده مقتضی و مانع است (وضوء مقتضی طهاره و نوم، مانع آن است)؛ جواب: در شریعت برای وضوء فرض بقاء و استمرار شده لذا از حدت تعبیر می‌شود «بأنه ناقض للوضوء» و یا به مصلی در حین صلاة گفته می‌شود «انه علی وضوء» پس با این فرض شک در بقاء وضوء امکان پذیر خواهد شد، و با توجه به ظهور «و لا ینقض الیقین بالشک» در وحدت متعلق یقین و شک حمل این روایت بر استحباب متعین خواهد شد.

کتابخانه
موسسه
تاسیس ۱۳۷۵
شماره ثبت ۱۳۷۵
شماره ثبت ۱۳۷۵

۸- احتمال داده می شود با توجه به تفکیک بین جعل و مجعول بتوان رفع را در حدیث رفع، رفع واقعی دانست، این احتمال را توضیح

داده، پاسخ آن را بنویسید. ص ۲۲۳ - ۲ نمره
جواب: بر اساس این احتمال می گوئیم معنای رفع واقعی تکلیف مشکوک آن است که هر کس علم به تکلیف دارد، واقعاً او مکلف است و جاهل واقعاً تکلیف ندارد و این یعنی اخذ علم به تکلیف در موضوع تکلیف واقعی که به حسب جعل امکان ندارد اما به حسب مجعول و فعلیت امکان دارد.

پاسخ: اگر چه در مقام مجعول می توان حکم مجعول را منوط به علم به جعل دانست، اما ظاهر حدیث رفع آن است که هر چه مجهول است، همان نیز مرفوع است پس نمی توان مجهول را جعل و مرفوع را مجعول دانست چون این تمایز بین مرفوع و مجهول با ظاهر روایت مخالفت دارد.

۹- بعضی با تمسک به استصحاب، برائت را در شبهات بدویه اثبات کرده اند، یکی از دو استصحاب ذکر شده را تبیین کرده، نقد مرحوم نائینی بر آن را بنویسید. ص ۲۲۹ - ۲ نمره

جواب: استصحاب اول: می توان عدم تکلیف قبل از شریعت را استصحاب نمود؛ زیرا قبلاً در ابتدای شریعت (به دلیل تدریجی بودن تشریح احکام) حکم مشکوک وجود نداشت لذا می توان عدم وجودش را همچنان استصحاب کرد. (وجه دوم: می توان استصحاب کرد عدم تکلیف قبل از بلوغ را.)
نقد: در اینجا در زمان شک همین که علم نداریم به وجود حکم، خودش برای جریان برائت عقلیه کافی است و اثر مترتب بر همین جهل است. در حالی که در استصحاب باید اثر شرعی بر مستصحب بار شود به این معنا که ترتب اثر متوقف بر استصحاب عدم تکلیف باشد نه چیز دیگر.

۱۰- برای اثبات لزوم احتیاط در شبهات بدویه به روایت «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتهام فی الهلکة» استناد شده است استدلال را توضیح داده، نقد کنید. ص ۲۳۵ - ۲ نمره

جواب: به موجب این روایت، اگر کسی در شبهه [شک] توقف نکند، یعنی مرتکب شبهه شود، خود را در هلاکت انداخته و ثبوت هلاکت قطعی برای ارتکاب شبهه مستلزم وجوب احتیاط است.

نقد: معنای کلمه «شبهه»، اشتباه به معنای شک نیست؛ بلکه کلمه «شبهه» به طور کلی به معنای «مثل و مانند» است و معنای روایت این است که اگر چیزی مثل حق بود و ظاهری فریبنده داشت فوراً نباید آن را تأیید کرد و فریب خورد چون ممکن است باطنش دروغین باشد و موجب هلاکت شود.

۱۱- سه قول مطرح در مقدار «منجزیت علم اجمالی» را با ذکر یک مثال تبیین کرده، قول صحیح را با دلیل معین کنید. ص ۲۴۶ - ۲ نمره

جواب:
ما اجمالاً به وجوب نماز ظهر یا جمعه علم داریم و در حقیقت نماز ظهر واجب است شکی نیست که علم اجمالی منجز است ولی در مقدار منجزیت سه قول مطرح است اول: منجز نماز ظهر است فقط. ثانی: منجز هر دو وجوب ظهر و جمعه است. ثالث: منجز جامع بین ظهر و جمعه است نه بخصوص ظهر و نه بخصوص جمعه. (۷/۵ نمره) قول ثالث قول صحیح است زیرا علم اجمالی از جامع سرایت نمی کند در نتیجه تنجز نیز بیشتر از جامع سرایت نمی کند. (۵/۰ نمره)

۱۲- قطره خونی در یکی از دو ظرف آب ریخته است، اگر ظرف اول قبل از ریخته شدن خون، نجس بوده و شک در طهارتش داشتیم حکم علم اجمالی به نجاست چیست؟ چرا؟ ص ۲۵۳ و ۲۵۵ - ۲ نمره

جواب: از آنجا که ظرف اول استصحاب نجاست دارد، سقوط خون در آن ظرف تکلیف جدیدی ایجاد نمی کند زیرا با قطع نظر از علم اجمالی برائت در ظرف اول جاری نمی شود و برائت در ظرف دیگر، معارض ندارد، لذا علم اجمالی منجز تکلیف نیست. به عبارت دیگر رکن سوم که باید برائت فی نفسه برای تمام اطراف شامل باشد، مختل است.

۱۳- با توجه به روایت زراره «قال زرارة له ﷺ : فان حرك في جنبه شيء و لم يعلم به فقال له الامام ﷺ : لا، حتى يستيقن انه قد نام و انا فانه على يقين من وضوئه و لا ينقض اليقين ابداً بالشك» سه احتمالی را که در جواب شرط «ان لا يستيقن انه قد نام» مطرح است را بیان کرده، کدام احتمال صحیح است؟ ص ۲۷۱ و ۲۷۲ - ۱ نمره

جواب: ۱. فلا یجب الوضوء، احتمال صحیح ۲. فانه على يقين من وضوئه ۳. و لا ينقض اليقين بالشك

۱۴- «اصل مثبت» را در ضمن مثالی تعریف کرده، دلیل عدم حجیت آن را توضیح دهید. ص ۲۸۴ - ۲ نمره

جواب: اصل (استصحاب) مثبت این است که اثر شرعی مستقیماً بر خود مستصحب بار نشود بلکه مستصحب موضوع برای تحقق اثری غیر شرعی (واسطه) باشد که آن، موضوع اثر شرعی است. مثل اینکه حیات زید را که مشکوک است استصحاب کنیم و نتیجه بگیریم نبات لجه او را (واسطه) و فرض بر این باشد که اثری شرعی لجه است و اگر اراده شود اثبات نبات لجه با استصحاب حیات و سپس اثبات حکم بدون تعبد به نبات لجه که ممکن نیست زیرا حکم موضوعش نبات است و تنزیل نزد عرف دائماً منصرف است برای توسعه آثار مجعوله از طرف منزل [شارع] ولی آثار تکوینی به جعل شارع [بما هو شارع] نمی باشد تا توسعه داده شود.

۱۵- دو توجیه مطرح شده برای «تقدیم اماره بر اصل» را تبیین کنید. ص ۳۱۹ و ۳۲۰ - ۲ نمره

جواب: اگر چه در موضوع دلیل اصل عدم علم اخذ شده است لکن این عدم علم صرف مثال است و مقصود از آن عدم حجیت است پس در حقیقت با وجود اماره ای که حجیت است موضوع اصل نفی می شود و در نتیجه دلیل حجیت اماره بر دلیل اصل وارد است. توجیه دوم: [ظهور موضوع اصل همان عدم علم است نه عدم حجیت در نتیجه وارد بر دلیل اصل نیست و] این تقدیم از نتایج بحث قیام اماره مقام قطع موضوعی است، اگر قائل شویم لسان دلیل حجیت اماره لغاء شک و قرار دادن اماره به منزله علم باشد در این صورت تصرف در موضوع دلیل اصل می کند و دلیل حجیت اماره بر دلیل اصل حاکم می شود.

تذکره: در این مورد باید توجه داشت که اصل برائت در شبهات بدویه است و در مواردی که علم به جعل یا مجعول بودن موضوع است، اصل برائت جاری نمی شود. همچنین در مواردی که علم به تکلیف یا عدم تکلیف است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به نجاست یا طهارت است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به حکم است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به وجوب یا عدم وجوب است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به ایجاب یا عدم ایجاب است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به لزوم یا عدم لزوم است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به استحباب یا عدم استحباب است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به مکروه یا عدم مکروه است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به تنزیه یا عدم تنزیه است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به اطلاق یا عدم اطلاق است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به عموم یا عدم عموم است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به خصوص یا عدم خصوص است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به اخص یا عدم اخص است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به اعم یا عدم اعم است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به اطلاق یا عدم اطلاق است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به عموم یا عدم عموم است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به خصوص یا عدم خصوص است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به اخص یا عدم اخص است، اصل برائت جاری نمی شود. در مواردی که علم به اعم یا عدم اعم است، اصل برائت جاری نمی شود.

بالتوجه...
السورة بانفسه
على ذلك بان الله
قال... و اع
جواب:

۷- نحوه استدلال به آیه شریفه «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا...» (انعام: ۱۴۵) بر براءت شرعیه را توضیح داده، شهید صدر (ره) [۲]

چه اشکالی بر این استدلال وارد می‌کند؟ ص ۲۲۰-۲ نمره
جواب: در این آیه، خداوند متعال نحوه محابّه [و مباحته] با یهود را به پیامبر می‌آموزد. خداوند نحوه اثبات براءت و عدم حرمت را عدم وجدان و نیافتن دلیل «بیان می‌کند و این نشان از آن است که نیافتن دلیل [بر حکم شرعی] کافی است در تأمین و عدم عقاب و این همان اثبات براءت شرعیه است. جواب: اشکال این است که نیافتن پیامبر در وحی الهی، به معنای عدم وجود حکم است؛ یعنی هر چه که بر پیامبر وحی نشود و حرمتش به پیامبر اعلام نگردد، در واقع حرام نبوده و حکم حرمت برایش تشریح نشده است. نمی‌توان این قضیه را قیاس کرد با نیافتن مکلف که احتمال دارد به خاطر از بین رفتن نصوص باشد. [به عبارت دیگر: مکلف نمی‌تواند پس از فحص و یأس بگوید: چون من نیافتم پس این چیز در واقع حرام نیست و اصلاً حرمتی جعل نشده است؛ چرا که شاید حکم جعل شده و به ما نرسیده باشد. پس این آیه - که اثبات عدم جعل می‌کند - با اثبات یا نفی براءت شرعیه، بیگانه است.]

۸- اشکال مطرح در عبارت «إِعْتِرَاضُ الْأَوَّلِ عَلَى أَدَلَّةِ الْبِرَاءَةِ الشَّرْعِيَّةِ هُوَ أَنَّ هَذِهِ الْأَدَلَّةَ أَمَّا تَشْمَلُ حَالَةَ الشَّكِّ الْبِدْوِيِّ لَا الْمَقْتَرَنِ بِعِلْمٍ إِجْمَالِيٍّ، وَ الْفَقِيهَ حِينَئِذٍ يَلْحَظُ الشَّبَهَاتِ الْحَكْمِيَّةَ كَكُلِّ بَوْجُدِ لَدَيْهِ عِلْمٍ إِجْمَالِيٍّ» را توضیح داده، جواب شهید صدر (ره) از این [۲]

اشکال را بنویسید. ص ۲۲۲ س ۷-۲ نمره
جواب: اشکال شده که ادله براءت در جایی جاری می‌شوند که شک، بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی؛ در حالی که فقیه علم دارد به وجود تعدادی تکلیف واقعی - مثلاً ده تا - در بین مجموع شبهات حکمیه و با وجود این علم اجمالی، در هیچ‌کدام از شبهات حکمیه نمی‌توان براءت شرعیه جاری کرد. پاسخ: قبول داریم که فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد؛ ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی، منحل می‌شود به علم تفصیلی؛ به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده [و آن تکالیف استنباط شده نیز کمتر از مقدار معلوم بالاجمال نیست] و شک بدوی در مابقی شبهات؛ چرا که علم به وجود تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی‌ماند [و شک در این مابقی بدوی است] که محل اجرای براءت شرعی است.

۹- برخی از ادله «براءت شرعی»، اطلاق داشته و شامل شک قبل از فحص نیز می‌شود؛ با این وجود، شهید صدر (ره) این اصل را مشروط به فحص می‌داند و سه دلیل بر مدعای خود اقامه کرده است، دو دلیل آن را بنویسید. ص ۲۳۹ و ۲۴۰-۲ نمره [۲]

جواب: [سه جوابی که شهید صدر (ره) می‌فرماید عبارتند از: ۱. بعضی از ادله براءت شرعیه ثابت می‌کند مسئولیت و مدیونیت را در صورتی که بیانی بر تکلیف، در معرض وصول بوده که با فحص به دست می‌آمده است. [مثل آیه و ما کُنَّا مَعْذِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا] که برای اثبات براءت شرعیه به آن استدلال شده است. گفتیم که بعث رسول مثالی است برای بیان حکم. پس «عدم بیانی که در محل وصول مکلف باشد» غایت است برای عدم عذاب پس هر جا چنین بیانی باشد استحقاق عقاب نیز ثابت است و مکلف شاک، قبل از فحص، احتمال تحقق بیان و تحقق غایت را می‌دهد پس ناچار از فحص است. ۲. مکلف علم اجمالی دارد به وجود تکالیفی در بین شبهات حکمیه. این علم اجمالی با فحص «منحل می‌شود به علم تفصیلی» و شک بدوی که شک بدوی محل جریان اصل براءت است. پس بدون فحص، محلی برای اجرای اصل براءت نیست. ۳. روایاتی داریم دال بر وجوب تعلم. در روز قیامت از مکلف می‌پرسند: چرا عمل نکردی [به تکالیف]؟ جواب می‌دهد: چون [به تکالیف] علم نداشتم. سؤال می‌شود که چرا برای دانستن تلاش نکردی؟ چنین روایاتی قید می‌زند اطلاق [ادعا شده در] دلیل براءت را و ثابت می‌کند که شک بدون فحص «عذر شرعی [و رافع عقاب] نیست.

۱۰- رکن چهارم برای «تنجیز علم اجمالی» را بیان کرده، اختلال این رکن در «دوران امر بین محذورین» را با مثالی تبیین کنید. ص ۲۵۶-۲ نمره [۲]

جواب: رکن چهارم برای تنجیز علم اجمالی، این است که علم اجمالی باید به گونه‌ای باشد که اگر در همه اطراف آن، اصل براءت را جاری کنیم در حقیقت، حکم به جواز مخالفت قطعیه کرده باشیم و در مقام عمل نیز مخالفت قطعیه ممکن باشد؛ اما در این مثال رکن چهارم محقق نمی‌شود:
اگر علم اجمالی داریم که در مورد دفن میت کافر، تکلیف الزامی صادر شده است؛ اما نمی‌دانیم که آن تکلیف، آیا وجوب دفن است یا حرمت دفن. مطلب در اینجا دائر بین محذورین است که حتی اگر در هر دو طرف شبهه [یعنی وجوب و حرمت] براءت جاری کنیم باز هم به مخالفت قطعیه گرفتار نمی‌شویم [چون در این مثال، مخالفت قطعیه - همانند موافقت قطعیه - محال است؛ چرا که در مقام عمل، یا دفن صورت می‌گیرد - که با وجوب سازگار است - و یا دفن ترک می‌شود - که با حرمت سازگار است -].

باید: چون در استصحاب یا
است (روضه مقتضی
یا به مصلی در ح
بالتک در ح
۱۳- در
جواب

۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا یعلمون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، کیفیت استدلال آنها با جواب شهید صدر (قدس سره) از آن را بیان کنید. ص ۲۲۴ س ۱۱

جواب: اسم موصول یعنی کلمه «ما» در این حدیث چهار بار تکرار شده که در سه مورد آن «ما اگر هو علیه و ما لا یطبقون و ما اضطروا الیه» مراد از آن موضوع خارجی و یا فعل خارجی است نه تکلیف و لذا برای حفظ وحدت سیاق «ما» ی در «ما لا یعلمون» هم حمل بر موضوع خارجی می شود و لذا مختص به شبهه موضوعیه خواهد شد. جواب: وحدت سیاق فقط اقتضاء می کند که لفظ تکرار شده در سیاق واحد در مدلول واحدی استعمال شده باشد یعنی اراده استعمالیه از آن یکی باشد نه اینکه مصادیق واحدی هم اراده شود، و در اینجا هم اسم موصول در همه فقرات به معنای واحد و عام مبهمی که «شیء» باشد استعمال شده و لذا وحدت سیاق محفوظ است و اگر مراد جدی از این «شیء» در بعضی فقرات مصادیقی غیر مصادیق در بعضی دیگر باشد. وحدت سیاق ضربه نمی بیند مثلاً در آن سه مورد یا توجه به صفاتی مثل «اگر هو علیه» برای «ما» آمده موضوع خارجی مراد باشد و از «ما» ی در «ما لا یعلمون» مصادیق دیگری مراد جدی باشد. وحدت سیاق محفوظ است.

۹- عبارت «الإعتراض الاول علی أدلة البرائة الشرعیة هو أن هذه الأدلة إنما تشمل حالة الشک البدوی لا المقترن بعلم إجمالي، و الفقیه حینما یلحظ الشبهات الحکمیة ککل یوجد لديه علم إجمالي.» را شرح داده و جواب شهید (قدس سره) از اشکال در عبارت را بنویسید. ص ۲۲۲ س ۷

جواب: اشکال اولی که به ادله برائت وارد کرده‌اند این است که این ادله برائت در جایی جاری می شود و شامل جایی می شود که شک بدوی باشد نه مقرون به علم اجمالی و در شبهات حکمیة شک مقرون به علم اجمالی است چون فقیه وقتی به مجموع شبهات حکمیة نظر می کند مثلاً اگر صد تا شبهه دارد یقین دارد یک سری تکالیف واقعی در میان آنها وجود دارد که مثلاً کمتر از بیخ تا نیست. و با وجود این علم اجمالی، جایی برای اجرای برائت شرعی در هیچکدام از این شبهات حکمیة که هر یک از آنها از اطراف این علم اجمالی هستند باقی نمی ماند.

جواب: بله، فقیه قبل از استنباط احکام شرعی از ادله، علم اجمالی به وجود یک سری تکالیف واقعی دارد ولی بعد از استنباط احکام شرعی از ادله، آن علم اجمالی منحل می شود به علم تفصیلی به این مقدار از تکالیف که استنباط کرده و کمتر از معلوم بالاجمال او هم نیست و در مابقی شبهات دیگر علم به وجود تکلیفی در میان آنها برایش باقی نمی ماند و لذا شک در این مابقی بدوی است و جای برائت شرعی.

۱۰- مراد از انحلال علم اجمالی کبیر به علم اجمالی صغیر را به همراه مثال توضیح داده و دو شرط لازم آن را بنویسید. ص ۲۵۲ س ۸

جواب:

اگر علم اجمالی به وجود دو مایع نجس در میان ده مایع نجس وجود داشته باشد این علم اجمالی ده طرف خواهد داشت و معلوم بالاجمال دو مایع از ده ناست. حال اگر تحقیق شد و علم جدیدی پیدا شد به نجاسة دو مایع در ضمن این پنج مایع که این پنج تا همان بعضی اطراف ده مایع است، در اینجا علم اجمالی اول به سبب این علم دوم انحلال پیدا کرد و شک در پنج نای دیگر شک بدوی خواهد بود، که به آن علم اجمالی منحل شده کبیر می گویند چون ده طرف داشت و به دومی صغیر می گویند چون پنج طرف دارد. شرط اول: اطراف علم اجمالی صغیر باید همان بعضی اطراف علم اجمالی کبیر باشد یعنی اطراف صغیر داخل در اطراف کبیر بوده باشند. شرط دوم: عدد معلوم بالاجمال در کبیر بیشتر از عدد معلوم بالاجمال در علم اجمالی صغیر نباشد یعنی اگر در کبیر دو تا بود در صغیر یکی نباشد.

جواب: قاعده مقتضی و مانع هرگاه مقتضی برای چیزی محرز و متیقن بود و شک کردیم که آیا مانعی که جلوی تأثیر این مقتضی را بگیرد آمده است یا خیر، باید بنا گذاشت بر عدم آن مانع و حکم کرد به تأثیر مقتضی و وجود مقتضی مثلاً یقین به وجود دلیل بر وجوب نماز جمعه داریم و شک داریم که آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، بنا می گذاریم بر عدم مانعیت و حکم می کنیم به وجوب جمعه وقتی ما احراز مقتضی مثل شرب سم کرده باشیم و بعد شک در وجود مانعی مثل شرب دوا مانع از این مقتضی بکنیم بر اساس این قاعده بنا بر انتقای مانع گذاشته می شود و لذا مقتضای یعنی موت ثابت می شود.

۱۱- قاعده «مقتضی و مانع» چیست؟ و یک فرق آن با «استصحاب» را بنویسید. ص ۲۶۷ س ۱۵

جواب: قاعده مقتضی و مانع قاعده‌ای است که می گوید هرگاه مقتضی برای چیزی محرز و متیقن بود و شک کردیم که آیا مانعی که جلوی تأثیر این مقتضی را بگیرد آمده است یا خیر، باید بنا گذاشت بر عدم آن مانع و حکم کرد به تأثیر مقتضی و وجود مقتضی مثلاً یقین به وجود دلیل بر وجوب نماز جمعه داریم و شک داریم که آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، بنا می گذاریم بر عدم مانعیت و حکم می کنیم به وجوب جمعه وقتی ما احراز مقتضی مثل شرب سم کرده باشیم و بعد شک در وجود مانعی مثل شرب دوا مانع از این مقتضی بکنیم بر اساس این قاعده بنا بر انتقای مانع گذاشته می شود و لذا مقتضای یعنی موت ثابت می شود.

فرق (۱) در قاعده مقتضی و مانع یقین و شک به دو امری که ذاتاً متغایرند تعلق می گیرد یعنی یقین به مقتضی و شک به مانع تعلق گرفته ولی در استصحاب متعلق یقین و شک ذاتاً واحد است. (۲) از حیث حیثیت کشف نیز با استصحاب متفاوت است زیرا حیثیت کشف در این قاعده بر اساس «غلبه اینکه مقتضی نافذ و مؤثر در معلول است» ولی در استصحاب بر اساس «غلبه اینکه حادث باقی می ماند» است.

فرق دوم: مقتضی و مانع هرگاه مقتضی برای چیزی محرز و متیقن بود و شک کردیم که آیا مانعی که جلوی تأثیر این مقتضی را بگیرد آمده است یا خیر، باید بنا گذاشت بر عدم آن مانع و حکم کرد به تأثیر مقتضی و وجود مقتضی مثلاً یقین به وجود دلیل بر وجوب نماز جمعه داریم و شک داریم که آیا زمان غیبت مانع از استمرار این وجوب در این زمان هست یا خیر، بنا می گذاریم بر عدم مانعیت و حکم می کنیم به وجوب جمعه وقتی ما احراز مقتضی مثل شرب سم کرده باشیم و بعد شک در وجود مانعی مثل شرب دوا مانع از این مقتضی بکنیم بر اساس این قاعده بنا بر انتقای مانع گذاشته می شود و لذا مقتضای یعنی موت ثابت می شود.

رکن چهارم از ارکان منجزیه علم اجمالی را به همراه مثالی تم جدر [۲] بیان کنید
 مرحب بعداً نتج علم اجمالی کشته را بنا بر داده دلیل را بنویسید

۷- با توجه به عبارت «و يمكن تلخيص استدلال المحقق الثاني على قاعدة قبح العقاب بلا بيان بالاستشهاد بالاعراف العنانية»
 استنباح معاقبة الأمر في المجتمعات العقلانية مأموره على مخالفة تكليف غير واصل» استدلال مرحوم نائینی و جواب شهید صدر بنویسید.

۸- بعضی به دلیل وحدت سیاق در حدیث رفع قائل به اختصاص «رفع ما لا يعلمون» به شبهه موضوعیه شده‌اند، کیفیت استدلال آنها را بنویسید.

۹- دلیل مشهور در عبارت «ذهب المشهور إلى استحالة جریان البراءة في كل اطراف العلم الاجمالي، لأنها ترخيص في المخالفة القطعية»
 را توضیح داده، جواب شهید صدر بر آن را بیان کنید.

۱۰- مقصود از عبارت «من ارکان قاعدة منجزية العلم الاجمالي ان يكون كل من الطرفين مشمولاً في نفسه لدليل اصل البراءة بقطع النظر عن التعارض» را توضیح داده، مثالی بنویسید که این رکن در آن موجود نباشد.

۱۱- قاعده «مقتضى و مانع» چیست؟ و یک فرق آن با «استصحاب» را بنویسید.
 به تشریح جزئیات این قاعده در مورد علم اجمالی و در مورد استصحاب در علم اجمالی بنویسید.

۱۲- مراد از «حیثیت تقیدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید.

۱۳- استصحاب «کلی قسم دوم» را با ذکر مثال توضیح داده، حکمش را بنویسید.

۱۴- تفاوت «تعارض» و «تزامم» را به همراه مثال بیان کنید.

۱۵- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید.

تاریخ	۱۰/۲۴
موضوع	اصول
کلاس	الحا
نام	
شماره	

۱۰ - ۱۰

۸- اشکال تصویر جامع به معنای «شیء» برای «ما» موصول در حدیث رفع را با توجه به عبارت «بأن اسناد الرفع الی التکلیف الی الموضوع مجازی... و لا یمنکن الجمع فی استعمال واحد بین الاسنادین» بیان نموده و جواب شهید صدر (ره) از آن را بنویسید.

۱/۵

۹- تقریب استدلال به حدیث «الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة...» برای وجوب احتیاط در شبهات بدویه و اشکال بنویسید.

۱/۵

۱۰- وجه عدم شمول ادله برائت نسبت به تکلیف مشکوک استجابی و کراهتی چیست؟

۲

۱۱- رکن سوم منجزیت علم اجمالی را بیان نمایید و یک مورد از موارد اختلال این رکن را در ضمن مثال توضیح دهید.

۲

۱۲- در دوران بین تعیین و تخیر شهید می فرماید: «فالعلم الاجمالی بالوجوب ثابت و لکنه مع ذلك لا یكون منجزا لإختلال الرکن الثالث»، کیفیت اختلال رکن سوم از نظر شهید صدر (ره) چگونه است؟

۲

۱۳- احتمالات مطرح شده پیرامون جزاء در فقره «حتى یستیقن أنه قد نام... و إلا فإنه علی یقین من وضوئه و لا تنقض الیقین أبدا بالشک» را نوشته و احتمال اقوی را با ذکر دلیل تعیین نمایید.

۲

۱۴- در ضمن مثال «اصل مثبت» را تعریف کرده، توضیح دهید چرا حجت نیست؟

۲

۱۵- مراد از قاعده «جمع عرفی» چیست؟ مدرک آن از نگاه شهید صدر (ره) چه امری است؟

۲

از سه صورت «مجهول» انتشاریخ» را به همراه مثالی تبیین کرده، حکم آن را نظر اجرای استصحاب چیست؟ ص ۲۹۵

موضوعی شرعی مرکب از دو جزء است مانند کفر آب و موت جد [که موضوع شرعی برای ارت بردن نوه می باشد] و ثبوت یکی از دو جزء (موت جد) معارض است ابتدا، و ارتفاع آن نیز معلوم است ولی زمان دقیق آن معلوم نیست و جزء دیگر نیز (موت جد) معلوم الغم است ابتدا و حدوث آن معلوم است، ولی زمان دقیق حدوث معلوم نیست. و این یعنی اگر ارتفاع جزء اول قبل از حدوث جزء دوم محقق شود دیگر موضوع (ارت بردن نوه) ثابت نمی شود و اگر ارتفاع بعد از حدوث صورت گیرد موضوع ثابت است. (۱ نمره) دو استصحاب جاری می شود: (۱) استصحاب کفر آب تا هنگام حدوث موت جد در نتیجه موضوع ثابت می شود. (۲) استصحاب عدم موت جد تا هنگام ارتفاع کفر آب در نتیجه موضوع اثبات نمی شود. این دو استصحاب به دلیل عدم امکان اجرای هر دو تعارض می کنند و هر دو ساقط می شوند. (۱ نمره) [دو صورت دیگر در کتاب]

۱۴- «ورود» را با مثالی توضیح داده، فرق آن را با «تعارض» و «تزام» بنویسید. ص ۳۰۴

جواب: در مورد تنافی بین دو مجعول است به این نحو که فعلیت دو حکم با هم تنافی دارد. در «تقیق» یک حکم، موضوع حکم دیگر را نفی یا اثبات می کند زیرا قابلیت حکم معلق به تحقق موضوع است، مثال: دو مجعول در دو حکم «إذا وجد الماء فلیتوضأ للصلاة» و «إذا لم يجد الماء فلیتیمم لأصله» با هم تنافی دارند. زیرا هنگامی که آب نداشته باشد موضوع حکم اول منتفی و در نتیجه حکم فعلی نیست. یعنی «و حکم نمی تواند با هم فعلی باشد اگر چه دو جزء با هم تنافی ندارد. (۱/۵ نمره) فرق: در تعارض تنافی بین دو جعل است ولی در «تزام» تنافی بین دو امتثال است. (۵/۵ نمره)

۱۵- یک وجه برای تقدیم استصحاب در تعارض بین «برائت و استصحاب» بنویسید. ص ۳۱۸

جواب: به دو وجه: (۱) دلیل استصحاب حاکم بر دلیل برائت است چون دلیل برائت در موضوعش عدم علم اخذ شده ولی دلیل استصحاب لسان آن ابقای یقین است یعنی با وجود استصحاب گویا شک نیست اذ موضوع برائت ملغی می شود. (۲) دلیل استصحاب عرفاً اظهر از دلیل برائت است در عمومیت و مسؤل (نسبت به محل اجتماع هر دو که حالت شک بدوی مسبق به یقین باشد) چون در بعضی روایات استصحاب فرموده: لا ینقض البرئین بالذکر أبداً، و این تأیید آن را از آفری دلالت از دلیل برائت فرار می دهد. [یک وجه کافی است.]

استصحاب «کلی قسم دوم» را با ذکر مثال توضیح داده، حکمش را بنویسید. ص ۲۹۰

جواب: حصول کلی در ضمن فرد مشکوک بین قصیرالوجود - که یقین به زوالش داریم - و طویل الوجود - که یقین به زوالش نداریم - مثلاً می دانیم که ساعتی قبل، انسان داخل مسجد شد؛ ولی نمی دانیم که آیا زید بود یا عمرو؛ از طرف دیگر اکنون زید را در خارج مسجد می بینیم، پس یقین داریم که اگر آن کلی (یعنی انسان) در ضمن این فردش (یعنی زید) در مسجد وجود یافته بود هر دو (هم کلی و هم فرد) معدوم شده اند ولی اگر کلی در ضمن فرد دیگرش (عمرو) در مسجد وجود یافته بود، بقای هر دو محتمل است. در این صورت، استصحاب کلی جاری می شود چون ارکان استصحاب - یعنی یقین به حدوث و شک در بقاء - تام است، ولی استصحاب هیچ یک از دو فرد جاری نیست چون ارکان استصحاب تمام نیست - چرا که حدوث عمرو مشکوک است و زوال زید یقینی است.

۱۴- فرق «تعارض» و «تزام» را به همراه مثال بیان کنید. ص ۳۰۴

جواب: هنگامی که مدلول دو دلیل با هم تنافی داشته باشند و این تنافی، حاصل تضاد بین دو جعل باشد، این تنافی را تعارض گویند اما اگر تنافی در مقام جعل نباشد بلکه در مقام امتثال باشد، این تنافی را التزام می نامند. تعارض مثل الربا حرام و لا ربا بین الوالد و ولده، التزام مثل تنافی «لا تقصب» و «اتقذ الفریق» در مقام امتثال که نجات غریق متوقف بر غصب است. صرف

۱۵- اصل اولی و ثانوی در صورت تعارض مستقر چیست؟ مرجحات باب تعارض را به ترتیب نام ببرید. ص ۳۱۴ و ۳۱۵

جواب: صرف

اصل اولی تساقط متعارضان است ولی اصل ثانوی اجرای مرجحات است. مرجحات به ترتیب: موافقت با کتاب و مخالفت عامه است.

۱۵- عبارت «حالات التزام خارجة عن نطاق التعارض بين الادلة؛ بل فيها يتقدم الاعم على الاقل اهمية» را در ضمن مثالی برای

تزام، توضیح دهید. ص ۲۰۵-۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: هنگامی التزام محقق می‌شود که تنافی بین دو امتثال باشد نه بین دو جعل [دو مدلول دلیل] که محقق تعارض است؛ مثلاً مکلف می‌بیند که کسی در حال غرق شدن است و برای نجات او باید از زمین مردم عبور کرده و مرتکب غصب شود. از طرفی تکلیف داریم که غریق را نجات بدهد و از طرف دیگر تکلیف داریم که غصب نکن که این دو تکلیف در مقام امتثال با هم تنافی دارند و نمی‌توان هر دو را امتثال کرد. در این قبیل موارد، تنافی بین مدلول‌های ادله شرعی نیست تا تعارض بین ادله رخ داده و مشمول ادله باب تعارض گردد؛ بلکه وظیفه مکلف در مقام امتثال این است که معاد دلیلی را که اهم است بر دلیل بهم مقدم نماید.

عبدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام
عبدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام
عبدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام

۱۳- مراد از «حیثیت تقییدیه» و «حیثیت تعلیلیه» را به همراه مثال توضیح دهید. ص ۲۷۹ و ۲۸۰-۲ نمره

۲

جواب: قیودی که عرفاً مقوم و منوع حکم هستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «کرم الضیف» در این صورت، ضیف بودن، قید وجوب اکرام است. حال اگر زید مهمان کسی شده باشد تا وقتی ضیف است، وجوب اکرام، ناشی از قید ضیف بودن است و پس از انتقای قید، عرف حکم می‌کند که وجوب مذکور منتفی است؛ لذا اگر زید از خانه میزبان خارج شد ولی در خارج از منزل میزبان هم حکم به وجوب اکرامش کردیم در این صورت، عرف این وجوب جدید را ادامه وجوب قبلی نمی‌داند؛ چون «ضیف بودن» را مقوم و منوع حکم می‌داند، این قیود را حیثیات تقییدیه می‌نامند. قیودی که عرفاً مقوم حکم نیستند. مثلاً اگر شارع فرموده باشد «الماء المعتبر بالنجاسة متنجس» در این صورت، «تنجیر» قید تنجس است؛ حال اگر آبی تغییر فعلی داشته باشد و بالفعل بوی بول بدهد یقیناً حکم تنجس موجود است، اگر این تغییر فعلاً زایل شد و دیگر این آب بوی بول نداد، عرف همچنان آب را متنجس می‌داند این قیود را حیثیات تعلیلیه می‌نامند.

۱۴- استصحاب «کلی قسم دوم» را با ذکر مثال توضیح داد، حکمش را بنویسید. ص ۲۹۰-۲ نمره

۲

جواب: حصول کلی در ضمن فرد مشکوک بین قسیرالوجود - که یقین به زوالش داریم - و طویل الوجود - که یقین به زوالش نداریم - مثلاً می‌دانیم که ساعتی قبل، انسان داخل مسجد شد؛ ولی نمی‌دانیم که آیا زید بود یا عمرو؛ از طرف دیگر اکنون زید را در خارج مسجد می‌بینیم، پس یقین داریم که اگر آن کلی (یعنی انسان) در ضمن این فردش (یعنی زید) در مسجد وجود یافته بود هر دو (عمرو و زید) معذور شده‌اند ولی اگر کلی در ضمن فرد دیگری (عمرو) در مسجد وجود یافته بود، بقای هر دو محتمل است. در این صورت، استصحاب کلی جاری می‌شود چون ارکان استصحاب - یعنی یقین به حدوث و شک در بقاء - تام است، ولی استصحاب هیچ‌یک از دو فرد جاری نیست چون ارکان استصحاب تمام نیست - چرا که حدوث عمرو مشکوک است و زوال زید یقینی است.

۱۵- «حکومت» را توضیح دانه و مثالی بزنید. ص ۲۰۸-۲ نمره

۲

جواب: حکومت یعنی یک دلیل، ناظر بر موضوع یا محمول دلیل دیگر باشد و در صدد تفسیر آن باشد به این صورت که گاهی موضوع یا محمول را توضیح می‌کند گاهی آنها را توسعه می‌دهد. (۱/۵ نمره) مانند الربا حرام (محکوم) زیرا بین الوالد و الوالد (حاکم). یا حکومت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» بر ادله احکام شرعیه مثل وجوب عمره و... (۱/۵ نمره) *توضیح موضوعی*

۸. چهار مورد از مواردی که نماز جماعت واجب است، را نام ببرید. ص ۲۳۷ - نمره ۱

جواب: ۱- نماز جمعه ۲- نماز عیدین (در صورت بودن شرایط وجوب) ۳- اگر وقت از تعلم قرائت خبیق شود در صورتی که قدرت بر تعلم داشته باشد ۴- بانذر وعهد و قسم واجب شود ۵- اگر ترک وسواس متوقف بر آن باشد ۶- با امر یکی از والدین ۹. چهار مورد از شرایط صحت جماعت را بنویسید. ص ۱۵۱ و ۱۶۶ - نمره ۱

جواب: ۱- بین امام و مأوم حائل از مشاهده نباشد ۲- جای ایستادن امام از جای ایستادن مأوم به نحو معتدبه بالاتر نباشد ۳- مأوم به مقداری که در عرف زیاد بحساب نیاید از امام دور نباشد ۴- جای ایستادن مأوم جلوتر از امام نباشد. ۱۰. دو فرق از فرهای شرایط نماز جمعه و نماز جماعت را ذکر کنید. ص ۱۸۳ - ۱/۵ نمره

حسب ذلک به علت خیار از محدوده بسودن ۱۱. چهار مورد از مواردی که خمس در آنها واجب است را بنویسید. ص ۲۰۳ تا ۲۰۵ - نمره ۱

جواب: غنیمت ، جواهری که بواسطه غوص بدست می آید ، آنچه از مؤنه سال فروع و عیالش زیاد می آید، معدن ، گنج مؤنه آنچه که انسان بر آن خرد و قبایل واجب التلقه و غیر آن نخرج می کند. ۱۲. شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر را بنویسید. ص ۲۲۵ و ۲۲۴ - نمره ۱

۱) اینکه امر و نهی بدانند که آنچه مکلف ترک می کند واجب و آنچه انجام می دهد حرام است. ۲) اعتضال تأثیر بدهد (۳) شخص عاصی مصر بر استمرار بر گناه باشد (۴) در امر به معروف و نهی از منکر مفسده ای نباشد. ۱۳. گزینته های صحیح و غلط را در رابطه با امر به معروف و نهی از منکر معین نمائید. ص ۱/۵ نمره

الف) لا یختیر فیها قصد التریة و الاخلاص صحیح غلط
 ب) استیوار الوجوب مع الظن بعدم التائیر صحیح غلط
 ج) استصحاب تعلم شرائط الامر بالمعروف والنهی عن المنکر صحیح غلط
 ۱۴. جملات زیر را تکمیل کنید. نمره ۳

الموالاة بمعنى عدم جفاف الاعضاء السابقة قبل الشروع فی اللاحقة ص ۵۰
 المباشرة فی افعال الرضوء فی حال الاختیار فلو الباشرها الغير او امانته فی الفسل او المسح بطل ص ۴۸
 الاسراف فی ماء الرضوء مکروه ص ۲۰
 الریاء بعد العمل لیس بمبطل ص ۵۳

۶- ما الفرق بين الوضوء بالماء المضاف أو التمسح في صورتين الجهل والنسيان؟ درس ۸ ص ۴۴ - ۲۴ نمره

۷- ما هو حكم المعاونة في الوضوء في الموارد التالية؟ درس ۹ ص ۴۸ و ۴۹ - ۲ نمره

الف) اتيان الماء أو تمسحينه: جوابه: جاز است.
ب) صب الماء في كفة: جوابه: جاز است و مكروه.
ج) صب الماء على اعضائه: جوابه: جاز است.

د) ان يكون الإجراء و الفسل من الغير و المتوضى معاً: جوابه: جاز است و وضو باطل است.

۸- احتياط در هر يك از عبارات «في مسن المسافة الخالية التي يحيط بها العرف كالحاء أو العين مثلاً إشكال اموطه الترك» «لو كان في قبول هدأيا الظلمة تقوية شو كتهم و تجزيهم على ظلمهم يحرم القبول مع احتمالها فالأموط عدم القبول» چه احتیاطی است؟ درس ۱۳ ص ۶۰ و ۶۱ - ۲ نمره

جوابه: هر دو احتیاط و جوی.

۹- عبارات ذیل را ترجمه کنید و منظور از کلمات خاصه و «الصور الثلاث» را دقیقاً مشخص نمایید. درس ۱۵ ص ۷۴ - ۲ نمره

«لو شك في أصل الخروج حكم بعده، كما أنه لو شك في أن الخارج دم أو غيره من الفضلات حكم بالطهارة من الحدث والخبث و لو علم أنه دم و تردد بين كونه خارجاً من الموضع أو من غيره حكم بالطهارة من الحدث خاصة، و لا يجب عليها الفحص في الصور الثلاث»
جوابه: اگر در اصل بیرون آمدن خون شک کند حکم به عدم آن می‌شود. همچنین اگر شک کند آن چه خارج شده، خون است یا از فضولات دیگر، محکوم به طهارت از حدث و خبث است و اگر بفاند آنچه بیرون آمده خون است ولیکن مردد باشد بین اینکه از مجرای طبیعی بیرون آمده یا از جای دیگر، تنها محکوم به طهارت از حدث می‌باشد و در این سه صورت شک در اصل خروج، شک خون بودن آنچه خارج شده است و شک در خروج از موضع و غیر موضع) جستجو لازم نیست»

۱۰- ما الفرق بين ذات العادة الوقتية و غيرها في شروع حیضها؟ درس ۱۶ ص ۷۷ و ۷۸ - ۲ نمره

جوابه: اگر خلاصه این جواب را نوشته باشند به گونه‌ای که مطلب ادا شده باشد مقبول واقع شود.
(صاحب عادت وقتیه به محض دیدن خون در وقت عادتش حائض می‌شود بنابراین باید عادت را ترک کند، چه خون اوصاف حیض را داشته باشد یا نداشته باشد و همچنین است اگر یک یا دو روز یا بیشتر قبل از عادت و یا بعد از آن خون ببیند، بطوری که گفته شود وقت حیض و عادتش جلو و یا عقب افتاده است. (و در هر صورت) اگرمانند معلوم شود که حیض نبوده چون خونی را که دیده کمتر از حداقل حیض (سه روز) بوده است، باید عادت‌های را که ترک کرده قضا نماید. اما زنی که صاحب عادت وقتیه نیست، او نیز به محض دیدن خون در صورتی که دارای صفات حیض باشد حائض می‌شود، و اگر دارای صفات حیض نباشد باید با جمع بین تروک زن حائض و افعال مستحسنة احتیاطاً کند، پس اگر این خون سه روز ادامه پیدا کرد آنرا حیض قرار می‌دهد، و اگر از سه روز بیشتر شد تا ده روز، اضافه از نیز حیض قرار می‌دهد بنابراین به وظیفه حائض احتیاطاً می‌کند و نیازی به رعایت اعمال مستحسنة ندارد، اگر چه ترک احتیاط سزاوار نیست)

۱۱- لو تجاوز الدم عن العشرة و المرأة ذات العادة الوقتية فقط، ما هي وظيفتها في الوقت و العدد؟ درس ۱۸ ص ۸۳ - ۲ نمره

جوابه: جایز وقت عادتش را حیض قرار دهد و در عدد اگر تمیزی باشد که امکان مراعات آن در وقت عادت باشد باید رجوع به آن تمیز نماید و گرنه به عادت خویش خود مانند مادر، خواهر، خاله که عادت یکسان دارند رجوع می‌کند و با نداشتن چنین خوشبختی باید هفت روز را در وقت عادتش حیض قرار دهد»

۱۲- اذا انتهت صلاة الصلح المتقدم من جهة كونهم مفصرين فما حال صلاة الصلح المتأخر؟ درس ۲۷ ص ۱۵۰ - ۲ نمره

جوابه: اگر نماز صبح پیش تمام شود به سبب آنکه نماز قصر بوده، اقتداء صبح عقب باطل می‌شود به سبب توری بنا بر توری مگر در صورتی که اصل صبح پیش که نمازش تمام شده بلافاصله دو مرتبه اقتداء کنند»

۱۳- در چه صورت خمس از تقاع قیمت سوقيه واجب است؟ درس ۵۱ ص ۲۰۶ - ۲ نمره

جوابه:
الف) در صورتی که اصل کالا از مال التجاره و رأس المال خریداری شده باشد.
ب) در صورتی که قصد خرید اصل کالا برای تجارت و سود بردن از منافع و نمانات آن باشد.

۱۴- عبارات «الاحوط بل الأوجه و وجوب الاصفاء الي الضخلة بل الاحوط الانصاف و ترک الکلام بینها و ان کان الاقوى كراهته» را توضیح دهید. درس ۲ نمره

جوابه: احوط بلکه بهتر، گوش دادن به خلیفه‌های نماز جمعه واجب است بلکه سکوت کردن و ترک سخن بین خلیفه‌ها موافق احتیاط است و اگر چه اقوی کراهت سخن گفتن است.

سؤالات بدون نمره

۹۳-۹۴ (۲ اول)

(۱۲ نفره)

۱) که اسب از سواره زیر بار مستحق چه قدر منفرد یعنی مورد؟ (۵)

الف) یکی از طرف مستحقه ب) ما ذل از طرف مستحقه ج) مستوف از طرف مستحقه د) یکی در هر طرف

۲) عبارت صحیح را مشخص کنید. (۱۵)

الف) شرطی برای انعقاد الجماعه نیت الامام، الجماعه والامامة مطلقاً

ب) اگر کسی بگوید لا یجوز له العود الی الاثنین صحیح است

ج) اگر کسی بگوید لا یجوز الا بحدود الاثنین صحیح است

د) اگر کسی بگوید لا یجوز الا بحدود الاثنین صحیح است

۳) عبارت صحیح را مشخص کنید. (۱۵)

الف) لا یجوز للمستحق الخس أن يأخذ من باب الخس ويرده علی العاکف صحیح است

ب) الاخرط عدم التفرغ من علیه الخس الی من تجب نفقته علیه الا الزوجیه

ج) ان الاقرا علی الخس مطلق الارث

د) ما اعتدتم بالفرز فی حال الخینة فهو من الاقوال

۴) انواع احتیاط ذکر شده در رساله را تفریق و وظیفه مختلف را نسبت به هر کدوم بیان کنید. (۲۰)

۵) در باب نیت وضو عبارت «لا یجوز نیت الوجوب والذکر لا وصفاً ولا غایة» صحیح است یا برای دومورد

۱) غسل با نیت کراهت ۲) وضو با نیت کراهت

۳) وضو با نیت کراهت ۴) وضو با نیت کراهت

۵) وضو با نیت کراهت ۶) وضو با نیت کراهت

۷) وضو با نیت کراهت ۸) وضو با نیت کراهت

۹) وضو با نیت کراهت ۱۰) وضو با نیت کراهت

۱۱) وضو با نیت کراهت ۱۲) وضو با نیت کراهت

۱۳) وضو با نیت کراهت ۱۴) وضو با نیت کراهت

۱۵) وضو با نیت کراهت ۱۶) وضو با نیت کراهت

۱۷) وضو با نیت کراهت ۱۸) وضو با نیت کراهت

۱۹) وضو با نیت کراهت ۲۰) وضو با نیت کراهت

۲۱) وضو با نیت کراهت ۲۲) وضو با نیت کراهت

۲۳) وضو با نیت کراهت ۲۴) وضو با نیت کراهت

۲۵) وضو با نیت کراهت ۲۶) وضو با نیت کراهت

۲۷) وضو با نیت کراهت ۲۸) وضو با نیت کراهت

۲۹) وضو با نیت کراهت ۳۰) وضو با نیت کراهت

۳۱) وضو با نیت کراهت ۳۲) وضو با نیت کراهت

۳۳) وضو با نیت کراهت ۳۴) وضو با نیت کراهت

۳۵) وضو با نیت کراهت ۳۶) وضو با نیت کراهت

۳۷) وضو با نیت کراهت ۳۸) وضو با نیت کراهت

۳۹) وضو با نیت کراهت ۴۰) وضو با نیت کراهت

۴۱) وضو با نیت کراهت ۴۲) وضو با نیت کراهت

۴۳) وضو با نیت کراهت ۴۴) وضو با نیت کراهت

١٠) حكم سائر زواجره يسيرة (١٠)

الف) الوضوء بالماء المصنّف جهلاً ... مبيحٌ صلواته
ب) إذا شك في أداء الصلاة في الوضوء ... وبسبب استنكاف اليد الوضوء (استنكاف اليد) ثم أعاد الوضوء (صلواته)

ج) لو انقطع الاستحاضة في أثناء الصلاة لبره أو لفترة واسعة ... إعادة الطهارة والصلاة (صلواته)

د) ذات العادة الوقتية لو رأست في العادة وقبلها، أو رأست فيها وبعدها ... (صلواته)

ان لم يتهاون الجميع من العشرة جعلت المصنوع حياً وان تجاوزت عننا حين حفر من أيام العادة والزمان والتمتع

١١) ضمن ترجمه سنن، و حكم بيان صفة راتوضيع ذهبه . مستورا في الخطوط الحرفية (١١) صلواته

ا) اذا ضاع الوقت عن تعلم القراءة لغيره لم يكسبه مع خورده على التعلم يجب العبادته واما اذا كان
ب) عاجزاً عنه أصلاً ، فلا يجب عليه حضور الجماعة وان كان الاخط

١٢) سر سطره الزواجر نازر جماعة راتاً يبره (١٢)

نامة ان راتاً سببه لراي وقت است دورته
معتد راتاً ، لا تراتاً من سنه
بين ايامه ونامة ما يني كما نتر لراي شهره مشرد ثباته
ما مره راتاً مشرد

١٣) وجه مبرور حيس ارتفاع منيت من مال التجاره واجب في ثوبه (١٣)

١٤) مراتب اعراف معروف وهي اسنكرانام يبره (١٤) (١٤)

[انظر راتاً جارتيني ، لروني لسانى ، انكار باليد]

مكة هود هجره سه قريه
علم حقه مع الحق و الله وكم
وكتبت راتاً